



## بهار عمر

تست‌های سطر به سطر (با تکیه بر کتاب)

۵۰۲- همه‌ی گزینه‌های زیر به جز گزینه‌ی ..... می‌تواند مقصود شاعر از «بهار عمر» در بیت «ای خرم از فروغ رخت، لاله‌زار عمر / باز آ که ریخت بی گل رویت، بهار عمر» باشد؟

- (۱) دوره‌ی جوانی (۲) شکوفایی (۳) زیبایی و طراوت (۴) فراق و جدایی

۵۰۳- معنای درست واژه‌های «فروغ - سرشک - صبح - شکر خواب - هان - خیل - نقش» به ترتیب در کدام گزینه ذکر شده است؟

- (۱) طراوت - اشک - سحر - خواب شیرین - آگاهی - لشکر - اثر  
 (۲) نور - حسرت - شراب - خواب آرام - بله - گروه سواران - نقاشی  
 (۳) روشنی - اشک - صبحگاه - خواب شیرین - بدان - گروه اسبان - نشان  
 (۴) بینایی - گریه - بامداد - خواب سحری - آگاه باش - سپاه - صورت

۵۰۴- در بیت «در هر طرف ز خیل حوادث، کمین‌گهی است / زان رو، عنان‌گسسته دواند سوار عمر» کدام آرایه وجود ندارد؟

- (۱) تناسب (۲) تشبیه (۳) جناس (۴) کنایه

۵۰۵- پیام نهایی بیت «تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟ / هشیار گرد، هان! که گذشت اختیار عمر» چیست؟

- (۱) سحرخیزی (۲) ترک شرابخواری (۳) هشیارشدن (۴) اغتنام فرصت

۵۰۶- اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب آرایه‌های «حس آمیزی - ایهام - کنایه - تناقض و استعاره» مرتب کنیم، کدام گزینه صحیح است؟

- (الف) دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد  
 (ب) حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان  
 (ج) تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟  
 (د) بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار  
 (ه) در هر طرف ز خیل حوادث، کمین‌گهی است
- (۱) ج - الف - ه - د - ب (۲) ه - الف - د - ج - ب (۳) الف - ب - ج - د - ه (۴) ج - ب - د - ه - الف

۵۰۷- در کدام بیت بیشترین «اضافه تشبیه‌ی» وجود دارد؟

- (۱) ای خرم از فروغ رخت، لاله‌زار عمر  
 (۲) حافظ! سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان  
 (۳) اندیشه از محیط فنا نیست، هر که را  
 (۴) در هر طرف ز خیل حوادث کمین‌گهی است

۵۰۸- نماد «سرعت و تندى» در مصراع دوم کدام بیت دیده می‌شود؟

- (۱) ای خرم از فروغ رخت، لاله‌زار عمر  
 (۲) از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست  
 (۳) این یک دم که مهلت دیدار ممکن است  
 (۴) بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار



## بهار عمر

تست‌های مفهومی و ترکیبی (با تکیه بر خارج از کتاب)



۵۰۹- آرزوی حافظ در بیت «بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار / روز فراق را که نهد در شمار عمر؟» در کدام بیت تجلی یافته است؟

۱) تو و چشم سیه‌مستی که نتوان دید هوشیارش  
 ۲) خرم آن روز که دیدار تو پیش نظر آید  
 ۳) برو ای تُرک که تُرک تو ستمگر کردم  
 ۴) ده زبان است و نگوید سخن و حق با اوست

۱) من و بخت گران‌خوایی که نتوان کرد بیدارش  
 ضایع آن عمر که بی‌دیدن رویت به سر آید  
 حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم  
 با چنان عمر که او راست چه جای سخن است

۵۱۰- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

۱) در تغافل‌خانه‌ی ابروی او چین می‌کشیم  
 ۲) دی در گذار بود و نظر سوی ما نکرد  
 ۳) گذشت از نظرم یار سرگران فریاد  
 ۴) عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد

۱) عمرها شد نقش‌بند طاق نسیانیم ما  
 بی‌چاره دل، که هیچ ندید از گذار عمر  
 نظر نکرد به این چشم خون‌فشان فریاد  
 ای خواجه درد نیست و گرنه طبیب هست

۵۱۱- مفهوم ابیات کدام گزینه با هم قرابت معنایی ندارند؟

۱) تا کی می‌صبح و شکر خواب بامداد؟  
 شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما  
 ۲) همه عمر در فراقت بگذشت و سهل باشد  
 دریاب دمی صحبت یاری که دگر بار  
 ۳) جهان یک کوجه‌باغ زخم شد، از خنجر نازت  
 به هر شکسته‌دلی می‌کنی به لطف نگاه  
 ۴) در نمی‌آید بلای روز هجران در حساب  
 فراق یار که پیش تو برگ کاهی نیست

۱) هشیار گرد، هان! که گذشت اختیار عمر  
 بسی گردش کند گردون، بسی لیل و نهار آرد  
 اگر احتمال دارد به قیامت اتّصالی  
 چون رفت نیاید به کمند آن دم و ساعت  
 نگاهت چند بندد بر کمر تیغ تغافل را  
 به بخت ما چو رسی این همه تغافل چیست؟  
 نسبت این روز با روز قیامت چون کنم؟  
 بیا و بر دل من بین که کوه الوند است

۵۱۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

۱) راهی است راه عشق که هیچش کرانه نیست  
 ۲) ما در درون سینه هوایی نهفته‌ایم  
 ۳) بر هوشمند سلسله ننهاده دست عشق  
 ۴) در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است

۱) آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست  
 بر باد اگر رود سر ما زان هوا رود  
 خواهی که زلف یار کشی ترک هوش کن  
 تا نگویی که چو عمرم به سر آمد رستم

۵۱۳- مفهوم کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی دارد؟

«زان رو، عنان‌گسسته دواند سوار عمر»  
 سیل عنان‌گسسته، اقامت‌پذیر نیست  
 از آن دایم نفس از دل به لب لرزیده می‌آید  
 دامن گنجی به چنگ آمد که در ویرانه نیست  
 بیش از این جور به عشاق جگرخسته نشاید

«در هر طرف ز خیلِ حوادث، کمین‌گهی است»  
 ۱) غافل مشو ز عمر، که ساکن نمی‌شود  
 ۲) کنار عمر، کشتی را کمینگاه خطر باشد  
 ۳) از پس رنجی که بردم در وفا آخر مرا  
 ۴) هرچه معشوق کند عین عنایت بود اما

۵۱۴- مفهوم بیت «تماشای چمن ای عاشقا، بی‌یار اگر باشد / نگه در دیده میل آتشین داند رگ گل را» با همی ابیات به استثنای بیت .....

قرابت معنایی دارد.

بی‌تماشای تو مژگان دست برهم‌سوده‌ای است  
 باز آ، که ریخت بی گل رویت، بهار عمر  
 هر چند که ناید باز تیری که بشد از شست  
 پس تو ز غفلت چو گل، زر منمای و مخند

۱) بی‌جمالت مردمک آینه‌ی نزدوده‌ای است  
 ۲) ای خرم از فروغ رخت، لاله‌زار عمر  
 ۳) باز آی که باز آید عمر شده‌ی حافظ  
 ۴) بر سر خارت چو گل، عمر کم از هفته‌ای است



### ۵۱۵- مفهوم کدام ابیات متفاوت است؟

- (الف) تا کی می صبوح و شکر خواب بامداد؟  
 (ب) ظاهر آن است که ضایع گذرد عمر عزیز  
 (ج) بهارِ عمر سبک تر ز برق می گذرد  
 (د) بگیر بهره‌ی خود ای نهال باغ وجود  
 (ه) چو کار عمر نه پیداست، باری آن اولی  
 (و) جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است
- (۱) الف - د      (۲) ب - ه

(۳) ه - ج      (۴) ج - و

### ۵۱۶- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) ای خرم از فروغ زُخت، لاله‌زار عمر  
 (۲) باز آی که بی روی تو ای شمع دل‌افروز  
 (۳) تا بود ملک چو آراسته باغی به بهار  
 (۴) بی جملالت صوت مطرب مایه‌ی درد و غم است

### ۵۱۷- مفهوم بیت «بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار / روز فراق را که نهد در شمار عمر؟» با کدام گزینه تناسب دارد؟

- (۱) ای که عمر از بی سودای تو دادیم به باد  
 (۲) هر که هوایی نپخت یا به فراقی نسوخت  
 (۳) شبی نگذشت کز دست غمش چون نی ننالیدم  
 (۴) چو عمر خوش نفسی گر گذر کنی بر من

یاد می‌دار که از مات نمی‌آید یاد  
 آخر عمر از جهان چون برود خام رفت  
 دریغ از ناله‌ی پنهان که پیدا نیست تأثیرش  
 مرا همان نفس از عمر در شمار آید

### ۵۱۸- مفهوم مقابل بیت «این یک دو دم که مُهلت دیدار ممکن است / دریاب کار ما، که نه پیداست کار عمر» در کدام گزینه آمده است؟

- (۱) عمرم گذشت و یک نفسم بیشتر نماند  
 (۲) بی‌محبّت مگذران عمر عزیز خویش را  
 (۳) وعده‌ی دیدار در خاکم نشاند و پیر کرد  
 (۴) به جوش آورد باد نوبهاران خون عالم را

خوش باش کز جفای تو این نیز بگذرد  
 در بهاران عنده‌لیب و در خزان پروانه باش  
 شد سفید آخر ز مویم کوچه‌های انتظار  
 اگر چون غنچه از اهل دلی، دریاب این دم را

### ۵۱۹- مفهوم بیت ..... با مفهوم «از دیده گر سرشک چو باران چکد، رواست / کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر» تناسب معنایی ندارد.

- (۱) طی شد چو نامه، عمر ز هجران او مرا  
 (۲) آمد کنون بدایت عمرم به منتهی  
 (۳) بهتر از من کس نمی‌داند طریق عاشقی  
 (۴) سرشک غم از دیده باران چو میغ (ابر)

کو قاصدی که نامه‌ی هجران فرستمش  
 لیکن گمان مبر که غمش را نهایی است  
 زانکه عمرم در ره خوبان سیمین‌برگذشت  
 که عمرم به دوری گذشت ای دریغ

### ۵۲۰- مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) عمر که بی‌عشق رفت هیچ حسابش مگیر  
 (۲) پاک یزدان فطرت پاکش ز پاکی آفرید  
 (۳) بی عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار  
 (۴) هر عمر که بی رخ تو بگذشت ای جان

آب حیات است عشق در دل و جانش پذیر  
 تا تمام عمر میل صحبت پاکان کند  
 سوز فراق را که نهد در شمار عمر؟  
 مرگ است و به نام زندگانی کردن

### ۵۲۱- در کدام بیت «متناقض‌نما» هست؟

- (۱) پیش عاقل در بلابودن به از بیم بلاست  
 (۲) ما صافدلان، کین عدد مهر شماریم  
 (۳) نام شاهان از اثر در دور می‌باشد مدام  
 (۴) تا شدم بی‌خبر از خویش، خبرها دارم

مرغ زیرک می‌کند در حلقه‌های دام رقص  
 در آینه‌ها نقش نگین راست نماید  
 شاهد این گفتگو جامی است کز جم مانده‌است  
 بی‌خبر شو که خبرهاست در این بی‌خبری

### ۵۲۲- در کدام بیت، «تناسب، ایهام، تشبیه و تلمیح» وجود دارد؟

- (۱) هر تیر که از چشم چو بادام تو جست  
 (۲) مجنون رخ لیلی چون قیس بنی عامر  
 (۳) از آن ز صحبت یاران کشیده‌دامانم  
 (۴) رزق ما آید به پای میهمان از خوان غیب

در خسته دلم چو مغز در پیسته نشست  
 فرهاد لب شیرین چون خسرو پرویزم  
 که صحبت دگری می‌کشد گریبانم  
 میزبان ماست هر کس می‌شود مهمان ما

**۵۲۳- در کدام گزینه علاوه بر جناس و کنایه «ایهام» نیز دیده می‌شود؟**

- (۱) سرود مجلس است اکنون، ملک به رقص آرد  
 (۲) ناصحا با من سخن از عقل سرگردان مگو  
 (۳) تا که لرزان ساق من بر آهنین کرسی نشست  
 (۴) از دست رفته بود وجود ضعیف من
- که شعر حافظ شیرین سخن ترانه‌ی توست  
 عاشقی فخری است و ما از عاقلی داریم عار  
 می‌بلرزد ساق عرش از آه صورآوای من  
 صبحم به بوی وصل تو جان باز داد باد

**۵۲۴- در همه‌ی ابیات به‌جز ..... آرایه‌ی «تضاد» وجود دارد.**

- (۱) این دشمنی ای دوست که با من به جفا  
 (۲) روز از وصال هجر در آبم بود مقام  
 (۳) چون که گل رفت و گلستان شد خراب  
 (۴) برآورده گردی ز هر تند کوهی
- آخر کردی نخست می‌دانستم  
 شب از فراق وصل در آتش کنم مقیل  
 بوی گل را از که جوئیم از گلاب  
 فروراننده سیلی به هر ژرف غاری

**۵۲۵- مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟**

- (۱) شب تار است و ره وادی ایمن در پیش  
 (۲) در این شب سیاهم گم گشت راه مقصود  
 (۳) تا دل هرزه‌گرد من رفت به چین زلف او  
 (۴) شب ظلمت و بیابان، به کجا توان رسیدن؟
- آتش طور کجا؟ موعده دیدار کجاست؟  
 از گوشه‌های برون آی ای کوکب هدایت  
 ز آن سفر دراز خود عزم وطن نمی‌کند  
 مگر آنکه شمع رویت به رهم چراغ دارد

**۵۲۶- مفهوم بیت «پنهان ز حاسدان به خودم خوان که منعمان / خیر نهان برای رضای خدا کنند» از حافظ، با مفهوم کدام بیت صائب یکسان است؟**

- (۱) بس که از رخسار او در پیچ و تاب است آفتاب  
 (۲) مه ز نور عاریت، گر لاغر و گر فربه است  
 (۳) روی گرم از دیده‌ی شب‌بنم نمی‌دارد دریغ  
 (۴) ریزش اهل کرم در پرده صائب خوش‌ترست
- تشنه‌ی ابرست و جویای نقاب است آفتاب  
 ایمن از تشویش و فارغ ز انقلاب است آفتاب  
 گرچه از گردن‌کشی گردون جناب است آفتاب  
 بیشتر فصل بهاران در سحاب است آفتاب

**۵۲۷- حافظ در کدام بیت از «غم» به بدی یاد کرده و از رفتن آن شاد است؟**

- (۱) عاشق روی جوانی خوش و نواخته‌ام  
 (۲) لذت داغ غمت بر دل ما باد حرام  
 (۳) آن پریشانی شب‌های دراز و غم دل  
 (۴) روزگاریست که سودای بتان دین من است
- وز خدا دولت این غم به دعا خواسته‌ام  
 اگر از جور غم عشق تو دادی طلبیم  
 همه در سایه‌ی گیسوی نگار آخر شد  
 غم این کار نشاط دل غمگین من است



### کیش مهر

تست‌های سطر به سطر (با تکیه بر کتاب)

- ۵۶۳- کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» اثر کیست؟  
 (۱) علامه محمدتقی جعفری تبریزی (۲) مرتضی مطهری  
 (آزاد انسانی ۷۸)
- ۵۶۴- کدام گزینه از مفهوم بیت «کشیدند در کوی دل دادگان / میان دل و کام، دیوارها» دریافت می‌شود؟  
 (۱) دیوار هوس‌ها دل را از کامیابی بازمی‌دارد.  
 (۲) عاشق به کام دل و آرزوهایش نمی‌رسد.  
 (۳) دیوار آرزوها دل را اسیر خود می‌کند.  
 (۴) دل، آدمی را از رسیدن به هدف بازمی‌دارد.  
 (آزاد انسانی ۸۲)
- ۵۶۵- در کدام بیت علامه استاد سیدمحمدحسین طباطبایی که در سال ۱۲۸۱ شمسی ولادت یافت و در ۱۳۶۰ در قم رحلت فرمود، یک واژه‌ی عربی دیده‌می‌شود؟

- (۱) فریب جهان را مخور زینهار  
 (۲) پیای بکش جام و سرگرم باش  
 (۳) چه فرهادها مرده در کوه‌ها  
 (۴) رود شاخ گل در بر نیلوفر  
 که در پای این گل بود خارها  
 بهل گـر بگیرند بیکارها  
 چه حـآج‌ها رفته بر دارها  
 برقصد به صد نـاز گلنارها

- ۵۶۶- مفهوم بیت «مهرورزان که آزاده‌اند / بریزند از دام جان، تارها» کدام است؟  
 (۱) عالی‌ترین مرتبه انسانیت، اجتناب از فریبکاری است.  
 (۲) والاترین مرتبه عاشقان، وارستگی و ترک وابستگی‌هاست.  
 (۳) در رسم و آیین خورشیدپرستی، رنگ و ریا جایگاهی ندارد.  
 (۴) تفکر و اندیشه، باعث رهایی آدمی از گرفتاری‌هاست.  
 (سراسری انسانی ۷۹)
- ۵۶۷- سفارش استاد علامه در بیت «پیای بکش جام و سرگرم باش / بهل گر بگیرند بیکارها» چیست؟  
 (۱) اشتغال به عیش و عشرت و رهایی از رنج دوران  
 (۲) پرداختن به عشق عارفانه و بی‌اعتنایی به خرده‌گیران  
 (۳) ارشاد گمراهان و بی‌توجهی به سخنان باوه‌گویان  
 (۴) اجتناب از بدخواهی و همراهی با خوش‌بینان  
 (سراسری ریاضی ۷۹)
- ۵۶۸- «بهل گر بگیرند بیکارها»، یعنی:  
 (۱) بیکارها را از خود دور مکن.  
 (۲) بگذار آدم‌های بیکاره خرده بگیرند.  
 (۳) بگذار آدم‌های بیکاره را بگیرند.  
 (۴) مگذار آدم‌های بیکاره خرده بگیرند.  
 (آزاد تهری ۷۷ و ریاضی ۸۲)



( )

- ۵۶۹- مفهوم اصلی هر دو مصراع بیت زیر در کدام گزینه دقیقاً عنوان شده است؟  
 «سرود عشق ز مرغان بوستان بشنو  
 جمال یار ز گل برگ سبز، تابان شد»  
 (۱) همه‌ی موجودات عاشقند - همه‌ی موجودات جلوه‌گر جمال الهی‌اند.  
 (۲) مرغان عاشق سرود می‌خوانند - باغ و بوستان یار را زیبا جلوه می‌دهند.  
 (۳) مرغان عاشق شده‌اند - طبیعت جلوه‌گر جمال یار است.  
 (۴) مرغان در حال سرودخوانی هستند - طبیعت زیبا شده است.

۵۷۰- کدام آرایه در بیت «به غنچه گوی که از روی خویش پرده فکن / که مرغ دل ز فراق رُخت پریشان شد» وجود ندارد؟

- (۱) کنایه (۲) تضاد (۳) استعاره (۴) تشبیه

۵۷۱- مفهوم کلی کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) بهار آمد و گلزار نورباران شد  
 (۲) سرود عشق ز مُرغان بوستان بشنو  
 (۳) ندا به ساقی سرمست گل‌عذار رسید  
 (۴) ز حال قلب جفادیدهام می‌پرس، می‌پرس  
 چمن ز عشق رُخ یار، لاله‌افشان شد  
 جمال یار ز گل‌برگ سبز، تابان شد  
 که طرف دشت چو رخسار سرخ مستان شد  
 چو ابر از غم دلدار اشک‌ریزان شد

۵۷۲- آرایه‌های بیت «ز حال قلب جفادیدهام می‌پرس، می‌پرس / چو ابر از غم دلدار اشک‌ریزان شد» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- (۱) تضاد - متناقض‌نما - حسن تعلیل - کنایه  
 (۲) تشبیه - اغراق - استعاره - ایهام  
 (۳) حسن تعلیل - تشبیه - تشخیص - استعاره  
 (۴) اغراق - جناس تام - تشخیص - حسن تعلیل



### کیش مهر و سرود عشق

تست‌های مفهومی و ترکیبی (با تکیه بر خارج از کتاب)



(سراسری ریاضی ۷۵)

۵۷۳- در همی‌گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی .....، «صوت» به‌کاررفته‌است.

- (۱) آه، دست پی‌سرم یافت خُراش  
 (۲) بگفت ار من کنم در وی نگاه  
 (۳) فریب جهان را مخور زینهار  
 (۴) هان ای عزیز فصل جوانی به هوش باش  
 وای، پای پی‌سرم خورد به سنگ  
 بگفت آفاق را سوزم به آهی  
 که در پای این گل بود خارها  
 در پیری از تو هیچ نیاید به غیر خواب

(سراسری ریاضی ۷۵)

۵۷۴- کلمه «قافیه» در کدام گزینه، نقش مفعولی دارد؟

- (۱) به یاد خم ایروی گل‌رخان  
 (۲) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور  
 (۳) رود شاخ گل در بر نیلفر  
 (۴) نگارش دهد گلبن جویبار  
 بکش جام در بزم می‌خوارها  
 ندارند کساری دل‌افکارها  
 برقصد به صد ناز گلنارها  
 در آیینی‌هی آب، رخسارها

(سراسری تجربی ۷۵)

۵۷۵- «قافیه» در کدام بیت، «مفعول» است؟

- (۱) گره را ز راز جهان بازکن  
 (۲) رود شاخ گل در بر نیلفر  
 (۳) پیایی بکش جام و سرگرم باش  
 (۴) جز افسون و افسانه نبود جهان  
 که آسان کند بناده دشوارها  
 برقصد به صد ناز گلنارها  
 بهل گمر بگیرند بیکارها  
 که بستند چشم خشایارها

(گزینه‌ی دو ۸۱)

۵۷۶- نقش دستوری قافیه‌ی شعر در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- (۱) نگارش دهد گلبن جویبار  
 (۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند  
 (۳) درد پرده‌ی غنچه را بادبام  
 (۴) رود شاخ گل در بر نیلفر  
 در آیینی‌هی آب رخسارها  
 بریزند از دام جان تارها  
 هزار آورد نغز گفتارها  
 برقصد به صد ناز گلنارها

(سراسری ریاضی ۷۵)

۵۷۷- در همی‌گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی .....، به غیر انسان، شخصیت انسانی بخشیده‌است.

- (۱) به آوای نای و به آهنگ چنگ  
 (۲) بهاران که شایبش ریزد سپهر  
 (۳) به‌جز اشک چشم و به‌جز داغ دل  
 (۴) کشد رخت سبزه به هامون و دشت  
 خروشد ز سرو و سمن، تارها  
 به دامان گلشن ز رگبارها  
 نباشد به دست گرفتارها  
 زند بارگه گل، به گلزارها



- ۵۷۸- در بیت «کشد رخت سبزه به هامون و دشت / زند بارگه گل به گلزارها» همه‌ی آرایه‌ها دقیق به کار رفته‌اند مگر گزینه‌ی ..... (آزار ریاضی ۱۵)
- (۱) تشخیص (۲) مراعات‌نظیر (۳) ایهام (۴) کنایه
- ۵۷۹- آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر مشاهده می‌شود؟ (آزار انسانی ۱۵)
- «به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها»
- (۱) تشبیه، مراعات‌نظیر، استعاره (۲) مراعات‌نظیر، کنایه، استعاره (۳) استعاره، مجاز، ترصیح (۴) ایهام، استعاره، تلمیح
- ۵۸۰- آرایه‌ی «ایهام» در کدام گزینه وجود دارد؟
- (۱) پیاپی بکش جام و سرگرم باش (۲) چه دارد جهان جز دل و مهر یار (۳) درد پرده‌ی غنچه را بادِ بام (۴) مهین مهرورزان که آزاده‌اند
- ۵۸۱- با توجه به بیت زیر کدام گزینه درست نیست؟ (آزار ریاضی ۱۴)
- «عمری گذشت در غم هجران روی دوست مرغم درون آتش و ماهی برون آب»
- (۱) «غم و هجران» و «مرغ و ماهی» مراعات‌نظیرند. (۲) «ماهی بیرون آب افتادن» کنایه از بی‌قراری است. (۳) بین کلمات دو مصراع آرایه‌ی لفتونشر وجود دارد. (۴) «مرغم درون آتش» آرایه‌ی تشبیه در آن وجود دارد.
- ۵۸۲- در کدام بیت صنعت «مراعات‌نظیر» دیده می‌شود؟ (آزار انسانی و هنر ۱۸)
- (۱) به‌جز اشک چشم و به‌جز داغ دل (۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند (۳) مکن پیش دیوار غیبت بسی (۴) به اندوه آینده خود را مباز
- ۵۸۳- در بیت «دیده وقت پیریت بی خود نمی‌آرد غبار / از غم فوت جوانی خاک بر سر می‌کند» کدام آرایه‌ی ادبی وجود ندارد؟ (آزمایشی سنبش ۱۵)
- (۱) مراعات‌نظیر (۲) کنایه (۳) تضاد (۴) متناقض‌نما
- ۵۸۴- در کدام گزینه «ایهام» وجود دارد؟ (آزمایشی سنبش ۷۸)
- (۱) پرستش به مستی است در کیش مهر (۲) چه دارد جهان جز دل و مهر یار (۳) رود شاخ گل در بر نیلفر (۴) همی گویم و گفته‌ام بارها
- ۵۸۵- در کدام گزینه آرایه‌ی «ایهام» نیست؟
- (۱) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر (۲) بر کام دل به گردش ایام دل میند (۳) به یاد خم ایروی گل‌رخان (۴) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم
- ۵۸۶- بیت زیر با مفهوم کدام بیت تناسب ندارد؟
- «به شادی و آسایش و خواب و خور عاشقان را هست بی‌سرمایه سود (۱) عاشقی کار سری نیست که بر بالین است (۲) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست (۳) عشق دعوی می‌کنی بار بلا بر دوش نه (۴)»
- ۵۸۷- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟
- (۱) آرامگه بی‌خبری بود بهشتی (۲) پرستش به مستی است در کیش مهر (۳) هر که امشب می‌نوشد، او به ما منسوب نیست (۴) گر هیچ خردداری و هشیاری و بیدار
- ۵۷۸- در بیت «کشد رخت سبزه به هامون و دشت / زند بارگه گل به گلزارها» همه‌ی آرایه‌ها دقیق به کار رفته‌اند مگر گزینه‌ی ..... (آزار ریاضی ۱۵)
- (۱) تشخیص (۲) مراعات‌نظیر (۳) ایهام (۴) کنایه
- ۵۷۹- آرایه‌های کدام گزینه در بیت زیر مشاهده می‌شود؟ (آزار انسانی ۱۵)
- «به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها»
- (۱) تشبیه، مراعات‌نظیر، استعاره (۲) مراعات‌نظیر، کنایه، استعاره (۳) استعاره، مجاز، ترصیح (۴) ایهام، استعاره، تلمیح
- ۵۸۰- آرایه‌ی «ایهام» در کدام گزینه وجود دارد؟
- (۱) پیاپی بکش جام و سرگرم باش (۲) چه دارد جهان جز دل و مهر یار (۳) درد پرده‌ی غنچه را بادِ بام (۴) مهین مهرورزان که آزاده‌اند
- ۵۸۱- با توجه به بیت زیر کدام گزینه درست نیست؟ (آزار ریاضی ۱۴)
- «عمری گذشت در غم هجران روی دوست مرغم درون آتش و ماهی برون آب»
- (۱) «غم و هجران» و «مرغ و ماهی» مراعات‌نظیرند. (۲) «ماهی بیرون آب افتادن» کنایه از بی‌قراری است. (۳) بین کلمات دو مصراع آرایه‌ی لفتونشر وجود دارد. (۴) «مرغم درون آتش» آرایه‌ی تشبیه در آن وجود دارد.
- ۵۸۲- در کدام بیت صنعت «مراعات‌نظیر» دیده می‌شود؟ (آزار انسانی و هنر ۱۸)
- (۱) به‌جز اشک چشم و به‌جز داغ دل (۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند (۳) مکن پیش دیوار غیبت بسی (۴) به اندوه آینده خود را مباز
- ۵۸۳- در بیت «دیده وقت پیریت بی خود نمی‌آرد غبار / از غم فوت جوانی خاک بر سر می‌کند» کدام آرایه‌ی ادبی وجود ندارد؟ (آزمایشی سنبش ۱۵)
- (۱) مراعات‌نظیر (۲) کنایه (۳) تضاد (۴) متناقض‌نما
- ۵۸۴- در کدام گزینه «ایهام» وجود دارد؟ (آزمایشی سنبش ۷۸)
- (۱) پرستش به مستی است در کیش مهر (۲) چه دارد جهان جز دل و مهر یار (۳) رود شاخ گل در بر نیلفر (۴) همی گویم و گفته‌ام بارها
- ۵۸۵- در کدام گزینه آرایه‌ی «ایهام» نیست؟
- (۱) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر (۲) بر کام دل به گردش ایام دل میند (۳) به یاد خم ایروی گل‌رخان (۴) به خوابگاه عدم گر هزار سال بخسبم
- ۵۸۶- بیت زیر با مفهوم کدام بیت تناسب ندارد؟
- «به شادی و آسایش و خواب و خور عاشقان را هست بی‌سرمایه سود (۱) عاشقی کار سری نیست که بر بالین است (۲) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست (۳) عشق دعوی می‌کنی بار بلا بر دوش نه (۴)»
- ۵۸۷- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟
- (۱) آرامگه بی‌خبری بود بهشتی (۲) پرستش به مستی است در کیش مهر (۳) هر که امشب می‌نوشد، او به ما منسوب نیست (۴) گر هیچ خردداری و هشیاری و بیدار

(سراسری انسانی ۸۸)

۵۸۸- سراینندگان همه‌ی بیت‌ها به استثنای بیت ..... تجاهل‌العارف نموده‌اند و به ناآگاهی خویش، تظاهر کرده‌اند.

- |                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| ۱) با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم    | که شهیدان که‌اند این همه گلگون‌کفنان          |
| ۲) به پای لاله کدامین شهید مدفون است | که از لحد به در افتاده گوشه‌ی کفنش            |
| ۳) زمین لاله‌ی بشکفته‌ی در دامن صحرا | هر لاله نشان قدم راه‌نوردی است                |
| ۴) یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک | هر جا که در آغوش صبا غنچه‌ی وردی (گل سرخ) است |

(سراسری زبان ۸۷)

۵۸۹- مفهوم بی‌اعتباری مقاصد دنیایی، در کدام بیت وجود ندارد؟

- |                                 |                           |
|---------------------------------|---------------------------|
| ۱) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور | ندارند کـاری دـل افـگارها |
| ۲) گره را ز راز جهان باز کن     | که آسان کند باده دشوارها  |
| ۳) مهین مهرورزان که آزاده‌اند   | بریزند از دام جان تارها   |
| ۴) جز افسون و افسانه نبود جهان  | که بستند چشم خشیارها      |

۵۹۰- بیت «ناز پرورد تنم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با همه‌ی بیت‌ها، به غیر از بیت ..... نوعی ارتباط مفهومی دارد.

(سراسری انسانی ۸۴)

- |                                     |                                   |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) همه سلامت نفس آرزو کند مردم      | خلاف من که به جان می‌خرم بلایی را |
| ۲) به جان دوست که دشمن بدین رضا نهد | که در به روی ببندند آشنایی را     |
| ۳) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر | به سر نکوفته‌باشد در سرایی را     |
| ۴) اگر تو جور کنی رأی ما دگر نشود   | هزار شکر بگویم هر جفایی را        |

(سراسری هنر ۸۲)

۵۹۱- مفهوم بیت «به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور / ندارند کاری دل‌افکارها» با کدام بیت متناسب نیست؟

- |                                      |                                   |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) کی کند عاشق نگاهی در جهان         | زان که عاشق را جهانی دیگر است     |
| ۲) ناز پرورد تنم نبرد راه به دوست    | عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد     |
| ۳) مهین مهرورزان که آزاده‌اند        | بریزند از دام جان تارها           |
| ۴) عاشق شو، آرنه روزی کار جهان سرآید | ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی |

۵۹۲- عبارت «درویشی در آن میان از او پرسید که عشق چیست؟ گفت: امروز بینی و فردا و پس فردا. آن روزش بکشتند و دیگر روز بسوختند و سوم روزش بر باد دادند.» با همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ..... تناسب معنایی دارد.

(سراسری هنر ۸۱)

- |                                 |                             |
|---------------------------------|-----------------------------|
| ۱) فریب جهان را مخور زینهار     | که در پای این گل بو‌د خارها |
| ۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند   | بریزند از دام جان تارها     |
| ۳) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور | ندارند کـاری دـل افـگارها   |
| ۴) به خون خود آغشته و رفته‌اند  | چه گل‌های رنگین به جوبارها  |

(سراسری هنر ۷۹)

۵۹۳- بیت «مهین مهرورزان که آزاده‌اند / بریزند از دام جان تارها» با کدام گزینه، ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

- |                                 |                        |
|---------------------------------|------------------------|
| ۱) به جز اشک چشم و به جز داغ دل | نباشد به دست گرفتارها  |
| ۲) کشیدند در کوی دل‌دادگان      | میان دل و کام، دیوارها |
| ۳) ولای رادمردان و وارستگان     | نبازند هرگز به مردارها |
| ۴) همی گویم و گفته‌ام بارها     | بود کیش من مهر دلدارها |

(آزاد تهری ۸۳)

۵۹۴- بیت «به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور / ندارند کاری دل‌افکارها» با کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) دل‌خوشی این جهان درد است و غم         | ۲) مرا نصیب غم آمد به شادی همه عالم |
| ۳) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست | ۴) مهین مهرورزان که آزاده‌اند       |

(آزاد تهری ۷۸)

۵۹۵- مضمون بیت «با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که شهیدان که‌اند این همه خونین‌کفنان؟» یادآور کدام بیت است؟

- |                                      |                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱) به آوای نای و به آهنک چنگ         | خروشید ز سرو و سمن تارها              |
| ۲) به خون وضو گرفت، تا برادر شهید من | ز اشک شویم این زمان ز چکمه‌اش غبار را |
| ۳) صبحدم چون کله بندد آه دودآسای من  | چون شفق در خون نشیند چشم خون‌پالای من |
| ۴) به خون خود آغشته و رفته‌اند       | چه گل‌های رنگین به جوبارها            |





۵۹۶- همه‌ی ابیات، به جز بیت ..... با بیت «به شادی و آسایش و خواب‌وخور / ندارند کاری دل‌افکارها» قرابت معنایی دارد. (آزمایشی سنپش ۱۵)

- |                                     |                               |
|-------------------------------------|-------------------------------|
| ۱) حدیث عشق نداند کسی که در همه عمر | به سر نکوفته‌باشد در سرایی را |
| ۲) عشق جویی و عافیت طلبی            | عشق با عافیت کدام بود         |
| ۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست   | عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد |
| ۴) اسیر بند بلا را چه جای سرزنش است | گرت معاونتی دست می‌دهد دریاب  |

۵۹۷- بیت «با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که شهیدان که اند این همه خونین‌کفنان» با همه‌ی ابیات، به جز بیت ..... ارتباط معنایی دارد.

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| ۱) چون جام شفق موج زند خون به دل من  | با این همه دور از تو مرا چهره‌ی زردی است |
| ۲) زمین لاله‌ی بشکفته‌ی در دامن صحرا | هر لاله نشان قدم راه‌نوردی است           |
| ۳) یا خون شهیدی است که جوشد ز دل خاک | هرجا که در آغوش صبا غنچه‌ی وردی است      |
| ۴) از راه روان سفر عشق در این دشت    | گلگونه سرشکی است اگر راه‌نوردی است       |

۵۹۸- مفهوم بیت «ما سیه‌گلیمان را جز بلا نمی‌شاید / بر دل بهایی نه، هر بلا که بتوانی» در کدام گزینه آمده‌است؟ (آزمایشی سنپش ۸۳)

- |                                 |                         |
|---------------------------------|-------------------------|
| ۱) چه دارد جهان جز دل و مهر یار | مگر توده‌هایی ز پندارها |
| ۲) جز افسون و افسانه نبود جهان  | که بستند چشم خشایارها   |
| ۳) مهین مهرورزان که آزاده‌اند   | بریزند از دام جان تارها |
| ۴) به شادی و آسایش و خواب‌وخور  | ندارند کساری دل‌افکارها |

۵۹۹- بیت «نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با کدام گزینه، قرابت معنایی دارد؟ (آزمایشی سنپش ۸۳)

- |                                |                            |
|--------------------------------|----------------------------|
| ۱) جز افسون و افسانه نبود جهان | که بستند چشم خشایارها      |
| ۲) به یاد خم ابروی گل‌رخان     | بکش جام در بزم می‌خوارها   |
| ۳) کشیدند در کسوی دل‌دادگان    | میان دل و کلام، دیوارها    |
| ۴) فریب جهان را مخور زینهار    | که در پای این گل بود خارها |

۶۰۰- کدام گزینه از نظر مفهوم و مضمون با سه گزینه دیگر متفاوت است؟ (آزمایشی سنپش ۸۲)

- |                               |                          |
|-------------------------------|--------------------------|
| ۱) به یاد خم ابروی گل‌رخان    | بکش جام در بزم می‌خوارها |
| ۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند | بریزند از دام جان تارها  |
| ۳) گره را ز راز جهان باز کن   | که آسان کند باده دشوارها |
| ۴) پیایی بکش جام و سرگرم باش  | بهل گمر بگیرند بیکارها   |

۶۰۱- مفهوم عرفانی بیت «پرستش به مستی است در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها» در کدام گزینه آمده‌است؟ (آزمایشی سنپش ۸۲)

- |                                 |                                   |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) مر زبان را مشتری جز گوش نیست | ۲) همچو نی دمساز و مشتاقی که دید؟ |
| ۳) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست  | ۴) همچو نی زهری و تریاقی که دید؟  |

۶۰۲- در کدام گزینه مفهوم «تقابل عقل و عشق» وجود دارد؟ (آزمایشی سنپش ۸۰)

- |                                 |                           |
|---------------------------------|---------------------------|
| ۱) کشیدند در کسوی دل‌دادگان     | میان دل و کلام، دیوارها   |
| ۲) به جز اشک چشم و به جز داغ دل | نباشد به دست گرفتارها     |
| ۳) به شادی و آسایش و خواب‌وخور  | ندارند کساری دل‌افکارها   |
| ۴) پرستش به مستی است در کیش مهر | برون‌اند زین جرگه هشیارها |

۶۰۳- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟ (آزمایشی سنپش دو ۸۳)

- |  |                                  |
|--|----------------------------------|
| ۱) نی حدیث راه پرخون می‌کند            | قصه‌های عشق مجنون می‌کند         |
| ۲) چه فرهادها مرده در کوه‌ها           | چه حلاج‌ها رفته بر دارها         |
| ۳) میان عاشق و معشوق فرق بسیار است     | چو یار ناز نماید شما نیاز کنید   |
| ۴) در ره منزل لیلی که خطرناک است در آن | شرط اول قدم آن است که مجنون باشی |

۶۰۴- مفهوم بیت «عمری گذشت در غم هجران روی دوست / مرغم درون آتش و ماهی برون آب» در کدام گزینه آمده‌است؟ (آزمایشی سنپش دو ۸۳)

- |  |                                    |
|--|------------------------------------|
| ۱) من خفته‌بدم به ناز در کتم عدم         | حسن تو به دست خویش بیدارم کرد      |
| ۲) عشق دریایی کرانه ناپدید               | کی توان کردن شنا ای هوشمند         |
| ۳) در غم ما روزها بی‌گاه شد              | روزها با سوزها هم‌راه شد           |
| ۴) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم | سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور |

(گزینه‌ی دو ۸۲)

۶۰۵- در کدام بیت، دو جمله‌ی کنایی در یک مفهوم به کار رفته‌است؟

- ۱) دم برنیار و دفتر بیهوده پاره کن
- ۲) عمری گذشت در غم هجران روی دوست
- ۳) ما عیب و نقص خویش و کمال و جمال غیر
- ۴) حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی

(گزینه‌ی دو ۸۲)

۶۰۶- کدام بیت با مفهوم بیت زیر قرابت معنایی دارد؟

- «آرزوهای دو عالم دستگاه»**
- ۱) جز افسون و افسانه نبود جهان
  - ۲) غرقه‌ی وهمیم ورنه این محیط
  - ۳) ولسی رادمردان و وارستگان
  - ۴) کردیم هر گناهی و از کرده غافلیم
- از کف خاکم غباری بیش نیست»**
- ۱) که بستند چشم خشایارها
  - ۲) از تنک‌آبی کناری بیش نیست
  - ۳) نیازند هرگز به مردارها
  - ۴) ای وای اگر حدیث گنه روبه‌رو رود

(گزینه‌ی دو ۸۲)

۶۰۷- همه گزینه‌ها مگر گزینه‌ی ..... به مفهوم مشترک اشاره دارند.

- ۱) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور
- ۲) گره را ز راز جهان باز کن
- ۳) در طریق عشق‌بازی امن و آسایش بلاست
- ۴) به‌جز اشک چشم و به‌جز داغ دل

(گزینه‌ی دو ۸۱)

۶۰۸- «گل» در کدام گزینه استعاره از مفهوم مثبتی نیست؟

- ۱) ای گل به دست‌مال هوس‌پیشگان مرو
- ۲) شکر ایزد که به اقبال کله‌گوشه‌ی گل
- ۳) به خون خود آغشته و رفته‌اند
- ۴) فریب جهان را مخور زینهار

۶۰۹- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱) سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
- ۲) فراز و شیب بیابان عشق دام بلاست
- ۳) ناصحم گفت که جز غم چه هنر دارد عشق
- ۴) هرکه ترسد ز ملال‌انده عشقش نه حلال

۶۱۰- در کدام گزینه «تقابل عشق و عقل» با توجه به بیت «پرستش به مستی است در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها» مشهود است؟

- ۱) لاف عشق و گله از بار زهی لاف دروغ
- ۲) جلوه‌گاه رخ او دیده‌ی من تنها نیست
- ۳) عاقلان نقطه‌ی پرگار وجودند ولی
- ۴) صبحدم از عرش می‌آمد خروشی عقل گفت

۶۱۱- کدام بیت با مضمون «عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» تناسب معنایی ندارد؟

- ۱) تا جان من قبول غم عشق یار شد
- ۲) تو خفته‌ای و نشد عشق را کرانه پدید
- ۳) خواهی خلاصی از بلا در عشق گم شو عاشقا
- ۴) مگو که قطع بیابان عشق آسان است

۶۱۲- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) با هرکه دمی عشق تو آمیخته‌شد
  - ۲) دلم که عشق بر او صد در بلا بگشاد
  - ۳) کار دل رندان بلا دیده بود عشق
  - ۴) در دلم زین سان که محکم شد اساس عشق تو
- گویی که بلا بر سر او ریخته‌شد  
رخ امید نتابد به هیچ باب از تو  
ای زاهد مغرور تو این کار چه دانی  
کی به طوفان غم و سیل بلا یابد خلل



۶۱۳- مفهوم مصراع اول بیت «چه دارد جهان جز دل و مهر یار / مگر توده‌هایی ز پندارها» در کدام گزینه تکرار شده‌است؟

- ۱) کمند عشق را نتوان گسستن
  - ۲) پنداشتمت کسه مهربانی
  - ۳) فلک جز عشق محرابی ندارد
  - ۴) اگر از پرده برون شد دل من عیب مکن
- بـرو سررشته‌ی پندار بگسـل  
و آن نیـز خیـال بـود و پندار  
جهان بی خاک عشق آبی ندارد  
شکر ایـزد که نه در پرده‌ی پندار بماند

۶۱۴- بیت «نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با کدام بیت تقارن معنایی ندارد؟

- ۱) سینه مالامال درد است، ای دریغا مرهمی
  - ۲) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست
  - ۳) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم
  - ۴) در طریق عشق‌بازی امن و آسایش بلاست
- دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدمی  
رهروی باید جهانسوزی نه خامی بی‌غمی  
کز نسیمش بوی جوی مولیان آید همی  
ریش باد آن دل که با درد تو خواهد مرهمی

۶۱۵- در همی ابیات به‌جز بیت گزینه‌ی ..... همچون بیت «با صبا در چمن لاله سحر می‌گفتم / که شهیدان که‌اند این همه خونین کفنان»، «لاله» مظهر شهادت است.

- ۱) ز حسرت لب شیرین هنوز می‌بینم
  - ۲) نسیم زلف تو چون بگذرد به تربت حافظ
  - ۳) لاله چو شهیدان همه آغشته‌به‌خون شد
  - ۴) ز حال ما دلت آگه شود مگر وقتی
- که لاله می‌دمد از خون دیده‌ی فرهاد  
ز خاک کالبدش صدهزار لاله برآید  
سر از غم کم عمری خود در کفن آورد  
که لاله بردمد از خاک کشتگان غمت

۶۱۶- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
  - ۲) شیر در بادیه‌ی عشق تو روباه شود
  - ۳) کشد هر صبح در آغوش جان، خورشید شبنم را
  - ۴) در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است
- عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد  
آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست  
به خوبان می‌نماید شیوه‌ی عاشق‌نوازی  
تا نگوئی که چو عمرم به سر آمد، رستم

۶۱۷- همی ابیات به‌جز گزینه‌ی ..... با این مفهوم که «عاشقان واقعی و سرشناس، وارسته و آزاده‌اند و به دنیا و آنچه در اوست، وابستگی ندارند و خود را از هرگونه قید و بند جهان مادی رها ساخته‌اند» مطابقت دارند.

- ۱) نگارش دهد گلبن جویبار
  - ۲) مهین مهرورزان که آزاده‌اند
  - ۳) نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
  - ۴) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور
- در آیینـه‌ی آب، رخـسارها  
بریزنـند از دام جـان تارها  
عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد  
ندارنـد کـاری دل‌افکارها

۶۱۸- مفهوم بیت «سعی‌نابرده در این راه به جایی نرسی / مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر» با مفهوم کدام گزینه ارتباط معنایی دارد؟

- ۱) در مکتب حقایق پیش ادیب عشق
  - ۲) چشم در صنع الهی بازکن، لب را ببند
  - ۳) آسمان تا بود، با ما بر سر بیداد بود
  - ۴) عقل در سودای عشق استاد نیست
- هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی  
بهرتر از خواندن بود، دیدن خط استاد را  
روی ما دایم طرف با سیلی استاد بود  
عشق کار عقل مادرزاد نیست

۶۱۹- مفهوم بیت «نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با کدام بیت تقارن معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) به کار اندر آی این چه پژمردگی است
  - ۲) گر تو بنشینی به بی‌کاری مدام
  - ۳) بی‌کاری و توکل دورست از مروّت
  - ۴) روز بی‌کاری و شب‌آسانی
- که پایان بی‌کاری افسردگی است  
کارت ای غافل کجا زیبا شود  
بر دوش خلق مکن زنه‌ار بار خود را  
کی رسی در سریر (= تخت) ساسانی

۶۲۰- کدام گزینه با سایر گزینه‌ها تفاوت معنایی دارد؟

- ۱) به شادی و آسایش و خواب‌و‌خور
  - ۲) به جز اشک چشم و به جز داغ دل
  - ۳) کشیدند در کسوی دلدادگان
  - ۴) بگفت آسوده شو، کاین کار خام است
- ندارنـد کـاری دل‌افکارها  
نباشد به دست گرفتارها  
میان دل و کام ، دیوارها  
بگفت آسودگی بر من حرام است

**۶۲۱- مفهوم کدام یک از ابیات زیر با دیگر ابیات مشترک نیست؟**

- |  |  |
|--|--|
| ۱) چرخ مینا شکند شیشه‌ی عمر تو به سنگ<br>۲) پیر خمار تو را خشت سر خم نکند<br>۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیفاست<br>۴) چشم دارم زلب لعل تو من ای ساقی | ۱) چرخ مینا شکند شیشه‌ی عمر تو به سنگ<br>۲) پیر خمار تو را خشت سر خم نکند<br>۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیفاست<br>۴) چشم دارم زلب لعل تو من ای ساقی |
|--|--|

**۶۲۲- کدام ابیات مفاهیم مشترکی دارند؟**

- |   |   |
|---|---|
| الف) هم از کودک مزاجی‌های حرص است<br>ب) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر<br>ج) حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی<br>د) آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد | الف) هم از کودک مزاجی‌های حرص است<br>ب) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر<br>ج) حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی<br>د) آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد |
|---|---|

- ۱) الف، ب      ۲) الف، د      ۳) ب، ج      ۴) ج، د

**۶۲۳- مفهوم بیت «ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» با کدام بیت تقارن معنایی دارد؟**

- |  |  |
|--|--|
| ۱) ز دست شاهد نازک‌عذار عیسی‌دم<br>۲) نازت بی‌رم که نازاندامی<br>۳) چنان آن نازنین نازک دماغ است<br>۴) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست | ۱) ز دست شاهد نازک‌عذار عیسی‌دم<br>۲) نازت بی‌رم که نازاندامی<br>۳) چنان آن نازنین نازک دماغ است<br>۴) اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست |
|--|--|

**۶۲۴- مفهوم بیت «ریشه‌ی نخل کهن‌سال از جوان افزون‌تر است / بیشتر دل‌بستگی باشد به دنیا پیر را» با کدام گزینه تقارن معنایی دارد؟**

- |   |   |
|---|---|
| ۱) جوانی رفت و روز پیبری آمد<br>۲) شکوه از پیبری کنی زاهد بیا همراه من<br>۳) دل آگاه در پیبری ز غفلت بیشتر ترسد<br>۴) به پیبری خاک بازیگاه طفلان می‌کنم بر سر | ۱) جوانی رفت و روز پیبری آمد<br>۲) شکوه از پیبری کنی زاهد بیا همراه من<br>۳) دل آگاه در پیبری ز غفلت بیشتر ترسد<br>۴) به پیبری خاک بازیگاه طفلان می‌کنم بر سر |
|---|---|

**۶۲۵- مفهوم «غنیمت شمردن دم یا اغتنام فرصت» در کدام بیت صریح‌تر است؟**

- |   |   |
|---|---|
| ۱) صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن<br>۲) آیین‌های سکندر جام می است بنگر<br>۳) بر سر تربت ما بی می و مطرب منشین<br>۴) در عیش نقد کوش که چون آب‌خور نماند | ۱) صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن<br>۲) آیین‌های سکندر جام می است بنگر<br>۳) بر سر تربت ما بی می و مطرب منشین<br>۴) در عیش نقد کوش که چون آب‌خور نماند |
|---|---|

**۶۲۶- مفهوم بیت «ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد» در کدام گزینه آمده‌است؟**

- |   |   |
|---|---|
| ۱) نمی‌ارزدم این تنعم بدان<br>۲) مایه‌ی عیش و تنعم همه جمع است ولی<br>۳) دوام عیش و تنعم نه شیوه‌ی عشق است<br>۴) ضایع آن نازی که با اهل تنعم می‌کنی | ۱) نمی‌ارزدم این تنعم بدان<br>۲) مایه‌ی عیش و تنعم همه جمع است ولی<br>۳) دوام عیش و تنعم نه شیوه‌ی عشق است<br>۴) ضایع آن نازی که با اهل تنعم می‌کنی |
|---|---|

**۶۲۷- در کدام گزینه مفهوم دو بیت یکسان نیست؟**

- |  |  |
|--|--|
| ۱) آمد بهار مشک‌بو، در خانه منشین ای صنم<br>۲) حافظ گمشده را با غمت ای یار عزیز<br>تا شدم حلقه به گوش در میخانه‌ی عشق<br>۳) گرچه وصالش نه به کوشش دهند<br>۴) خراب‌تر ز دل من غم تو جای نیافت<br>ز حال قلب جفا دیده‌ام مپرس، مپرس | ۱) آمد بهار مشک‌بو، در خانه منشین ای صنم<br>۲) حافظ گمشده را با غمت ای یار عزیز<br>تا شدم حلقه به گوش در میخانه‌ی عشق<br>۳) گرچه وصالش نه به کوشش دهند<br>۴) خراب‌تر ز دل من غم تو جای نیافت<br>ز حال قلب جفا دیده‌ام مپرس، مپرس |
|--|--|



۶۲۸- مفهوم همی ابیات به جز بیت ..... با مفهوم «بهار آمد و گلزار نورباران شد / چمن ز عشق رخ یار، لاله افشان شد» یکسان است.

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| کنار یار بنشینم، ز عمر خود ثمر گیرم | (۱) بهار آمد، جوانی را پس از پیری ز سر گیرم |
| ساقی رسید و فصل بهار است والسلام    | (۲) ای دلبری که طالب عیشی به کام دل         |
| که صفایی نهد آب تراب آلوده          | (۳) شست و شویی کن و از چاه طبیعت به درآی    |
| پرنیان گشت باغ و برزن و کوی         | (۴) آمد این نوبهار توبه‌شکن                 |

۶۲۹- بیت «بهار آمد و گلزار نورباران شد / چمن ز عشق رخ یار، لاله افشان شد» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟

- |  |  |
|--|--|
| وز نور آن سرو سهی روشن همی بینم چمن    | (۱) از روی یار خرگهی ایوان همی بینم مَهی |
| شد دگر صحن چمن چون محفل از رخسار یار   | (۲) مژده بلبل را که آمد گل به باغ شاخسار |
| گلبن از غنچه‌ی سیراب شود چون لب یار    | (۳) چمن از لاله‌ی نورسته بود چون رخ دوست |
| من به یک دیده‌ی حیران به که مایل باشم؟ | (۴) عالم از جلوه‌ی یار است خیابان بهشت   |

۶۳۰- کدام بیت با بیت «سرود عشق ز مرغان بوستان بشنو / جمال یار ز گل برگ سبز، تابان شد» تناسب مفهومی ندارد؟

- |                                    |   |
|------------------------------------|---|
| از سر عشقت، نه برای گل است         | (۱) ناله‌ی مرغان سحرخوان به صبح             |
| که نقاب از رخ گل باد سحر، دیر کشید | (۲) این همه ناله‌ی مرغان به چمن زان سبب است |
| شور مرغان چمن از نوبهار خُسن اوست  | (۳) سرو و گل را پرده‌ی عشق نهانی کرده‌اند   |
| عرق چهره‌ی گل پرتو زیبایی کیست؟    | (۴) شور بلبل ز نمکدان که برمی‌خیزد؟         |

۶۳۱- مفهوم کدام بیت متفاوت است؟

- |                                    |  |
|------------------------------------|--|
| شاخ گل با آن لطافت شرمسار او بماند | (۱) سرو من بگذشت بر طرف چمن دامن‌کشان    |
| شکوفه در قدم دوستان درم‌ریز است    | (۲) قدم به طرف چمن نه که سبزه نوخیز است  |
| که مرغ نغمه‌سرا، ساز خوش‌نوا آورد  | (۳) تو نیز باده به چنگ آر و راه صحرا گیر |
| فراش بوستان شد، نقاش گلستان گشت    | (۴) فرش طرب بگستر، چون باد نوبهاری       |

۶۳۲- مفهوم مصراع «چمن ز عشق رخ یار، لاله افشان شد» از امام خمینی<sup>(ره)</sup> در کدام بیت حافظ دیده می‌شود؟

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| مکن که آن گل خندان برای خویشتن است  | (۱) چو رای عشق زدی با تو گفتم ای بلبل       |
| کانجا همیشه باد به دست است دام را   | (۲) عنقا (= سیمرغ) شکار کس نشود دام باز چین |
| منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست       | (۳) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست            |
| فتنه‌انگیز جهان غمزه‌ی جادوی تو بود | (۴) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت      |

۶۳۳- مضمون و محتوای همی ابیات به استثنای بیت ..... با بیت زیر یکسان است.

- |                                       |   |
|---------------------------------------|---|
| چو ابر از غم دلدار اشک‌ریزان شد»      | «ز حال قلب جفادیده‌ام می‌پرس، می‌پرس      |
| وان ز دلگرمی نگویید ترک آرامم هنوز    | (۱) در فراقش رود خون از دیده می‌بارم هنوز |
| در فراقش زندگی کردیم و جانی داشتیم    | (۲) روز وصلش باید از شرم آب گردیدن که ما  |
| چون شفق خون می‌دمد از شام هجرانم هنوز | (۳) آن قدر من در فراقش اشک گلگون ریختم    |
| اشک خونین در گریبان وز گریبان در کنار | (۴) ای بسا شب‌ها که من در هجر او می‌ریختم |

۶۳۴- بیت «سرود عشق ز مرغان بوستان بشنو / جمال یار ز گل برگ سبز، تابان شد» با همی ابیات به استثنای بیت ..... تناسب مفهومی دارد.

- |  |   |
|--|---|
| به هر سو مه و خورشید و ثریاست خدایا      | (۱) ز عکس رخ آن یار در این گلشن و گلزار   |
| نیست عالم غیر مرآت جمال یار ما           | (۲) در لباس هرچه بینی آن پیری‌رو، رو نمود |
| عکس جمال اوست نهان و عیان که هست         | (۳) آئینه ساخت عالم و خود را به خود نمود  |
| که دل هر قطره اشکی گردد و بر چشم تر پیچد | (۴) نگه محو جمال اوست اما چشم آن دارم     |

۶۳۵- مفهوم بیت گزینیه‌ی ..... با بیت «ز حال قلب جفادیده‌ام می‌پرس، می‌پرس / چو ابر از غم دلدار اشک‌ریزان شد» قرابت معنایی دارد.

- |   |   |
|---|---|
| که من این خانه به سودای تو ویران کردم   | (۱) سایه‌ای بر دل ریختم فکن ای گنج روان   |
| که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند           | (۲) تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار |
| هر که دانسته رود صرفه ز اعدا ببرد       | (۳) راه عشق ارچه کمینگاه کمان‌داران است   |
| ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود | (۴) سایه‌ی معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد  |

۶۳۶- بیت «به غنچه گوی که از روی خویش پرده فکن / که مرغ دل ز فراق رُخت پریشان شد» با همهی ابیات به استثنای بیت ..... ارتباط مفهومی دارد.

که اینجا، هم نمی‌گیرد دل آرام  
از روی دوست برفکن این زلف تابدار  
گوش نامحرم نباشد جای پیغام سرور  
ورنه چون گل ز تو صد پاره شود پیره‌نم

۱) حجاب از روی برگیر ای دلارام  
۲) فریاد جان دلشدگان ای صبا برس  
۳) تا نگردي آشنا زین پرده رمزی نشنوی  
۴) ای گل باغ دلم، پرده برانداز از روی

۶۳۷- مفهوم مصراع «چمن ز عشق رخ یار، لاله‌افشان شد» در کدام بیت دیده می‌شود؟

ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست  
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد  
که کام‌بخشی او را بهانه بی‌سببی است  
ما را بکشت یار به انفاس عیسوی

۱) هرچه هست از قامت ناساز بی‌اندام ماست  
۲) در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد  
۳) سبب می‌رس که چرخ از چه سفله‌پرور شد  
۴) این قصه‌ی عجب شنو از بخت واژگون

۶۳۸- در کدام گزینه مفهوم دو بیت یکسان است؟

زانکه آنجا جمله اعضا چشم باید بود و گوش  
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی  
تا آشنای عشق شدم ز اهل رحمت  
هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام  
دریادالی بجوی دلیری سرآمدی  
که در آینه نظر جز به صفا نتوان کرد  
دل غمدیده‌ی ما بود که هم بر غم زد  
اگر از خمر بهشت است وگر باده‌ی مست

۱) در حریم عشق نتوان دم زد از گفت و شنید  
قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز  
۲) هر چند غرق بحر گناهم ز صد جهت  
ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست  
۳) خامان رهنرفته چه دانند ذوق عشق  
نظر پاک توانند رخ جانان دیدن  
۴) دیگران قرعه‌ی قسمت همه بر عیش زدند  
آنچه او ریخت به پیمانه‌ی ما نوشیدیم



▲ حافظ

۵۰۲- گزینه «۴» منظور از **بهار عمر** دوره‌ی جوانی، شکوفایی، زیبایی و طراوت است.

۵۰۳- گزینه «۳» فروغ: نور، روشنی / سرشک: اشک / صبح: صبحگاه، بامداد / شکرخواب: خواب شیرین / هان: بدان، آگاه باش (صوت است) / خیل: گروه اسبان، گروه سواران، سپاه و لشکر / نقش: اثر، نشان

۵۰۴- گزینه «۳» آرایه‌های بیت: تناسب: بین «خیل» به معنی گروه اسبان با «عنان» و «سوار» / تشبیه: خیل حوادث و سوار عمر اضافه‌های تشبیهی هستند - کنایه: «عنان گسسته» کنایه از به سرعت و شتابان حرکت کردن است.

۵۰۵- گزینه «۴» با توجه به تأکید سؤال که بر «پیام نهایی» مفهوم بیت «اغتنام فرصت» است.

۵۰۶- گزینه «۱» الف) ایهام «عمر»: ۱- زندگی ۲- با توجه به مصراع اول استعاره از معشوق؛ ب) استعاره: «نقش» استعاره از شعر و سخن؛ ج) حس آمیزی: شکرخواب، شکر که چشایی بود و خواب ...! **یه حس انتزاعی که یزود پنج حس مشهور نیست ولی یه پورایی هست!!** د) متناقض‌نما، تناقض یا پارادوکس: «بی عمر زنده بودن»؛ ه) کنایه: «عنان گسسته» کنایه از به سرعت و شتابان حرکت کردن، اسبی که عنانش پاره شود، دیوانه‌وار می‌تازد.

۵۰۷- گزینه «۱» اضافه‌های تشبیهی: ۱- لاله‌زار عمر - گل روی - بهار عمر ۲- صفحه‌ی جهان ۳- محیط فنا - نقطه‌ی دهان ۴- خیل حوادث - سوار عمر

۵۰۸- گزینه «۲» برق «نماد» سرعت و تندی است.

۵۰۹- گزینه «۲» آرزوی حافظ این است که بار دیگر به وصال برسد؛

### خرم آن روز که دیدار تو پیش نظر آید ضایع آن عمر که بی دیدن رویت به سر آید

مفاهیم ابیات دیگر: گزینه‌ی (۱): بی توجهی معشوق و گران‌خوابی بخت عاشق؛ گزینه‌ی (۳): بی توجهی عاشق به معشوق؛ [از شهریار این حرفا بعیده!!]؛ گزینه‌ی (۴): خاموشی به خاطر عمر کوتاه!

۵۱۰- گزینه «۴» سه بیت اول بی توجهی و غفلت معشوق نسبت به عاشق را بیان می‌کند، در حالی که بیت زیر عکس این قضیه را اثبات می‌نماید:

### عاشق که شد که یار به حالش نظر نکرد ای خواجه درد نیست وگرنه طیب هست

۵۱۱- گزینه «۲» مفاهیم گزینه‌ها: گزینه‌ی (۱): اغتنام فرصت؛ گزینه‌ی (۲): بیت اول: تحمل فراق به امید وصال آسان است - بیت دوم: اغتنام فرصت گزینه‌ی (۳): بی توجهی معشوق به عاشق؛ گزینه‌ی (۴): تحمل فراق سخت است.

۵۱۲- گزینه «۳» مفهوم بیت سوم: عشق جنون‌کایناتی است و با عقل ناسازگار است؛ مفاهیم دیگر ابیات: عشق خطیر و خطرناک است.

۵۱۳- گزینه «۲» گذر عمر و خطرات حوادث زندگی در بیت سؤال و بیت زیر دیده می‌شود:

### کنار عمر، کشتی را کمینگاه خطر باشد از آن دایم نفس از دل به لب لرزیده می‌آید

۵۱۴- گزینه «۴» سه بیت اول فراق و هجران را نامناسب می‌دانند و در پی وصال هستند، در حالی که بیت چهارم می‌گوید عمر کوتاه است، غافل مباش و از عمرت بهره ببر:

### بر سر خارت چو گل، عمر کم از هفته‌ای است پس تو ز غفلت چو گل، زر نمای و مخند

۵۱۵- گزینه «۴» مفهوم ابیات جیم واو! توصیه به باده‌خواری و پیاله‌گیری است، در حالی که حافظ می‌گفت: تا کی می‌صبح و شکرخواب بامداد؟

۵۱۶- گزینه «۳» در بیت زیر شاعر برای ممدوح خود تقاضای طول عمر می‌کند، در حالی که ابیات دیگر فراق معشوق را نمی‌توانند تحمل کنند:

### تا بود ملک چو آراسته باغی به بهار اندر آن باغ گل عمر تو بی‌خار بود

**۵۱۷- گزینه «۴»**

روزهای جدایی از معشوق زندگی به حساب نمی‌آید؛ ولی وصال و حضورش تماماً زندگی است:

**چو عمر خوش نفسی گر گذر کنی بر من / مرا همان نفس از عمر در شمار آید**

مفاهیم دیگر ابیات: گزینه‌ی (۱): بی‌وفایی معشوق؛ گزینه‌ی (۲): هر که عاشق نباشد خام است؛ گزینه‌ی (۳): ناله و زاری عاشق در فراق معشوق

**۵۱۸- گزینه «۱»**

معنی «مقابل» بیت پرسیده شده! در بیت سؤال شاعر از معشوق می‌خواهد که به عاشق توجهی نکند و برگردد! ولی در بیت شاعر

به جفای یار راضی شده و او را پُر می‌دهد! و می‌گوید برو به سلامت!

**عمرم گذشت و یک نفسم بیشتر نماند / خوش باش کز جفای تو این نیز بگذرد**
**۵۱۹- گزینه «۳»**

همه‌ی ابیات از غم هجران می‌گویند به‌جز بیت زیر که ترکونده!

**بهتر از من کس نمی‌داند طریق عاشقی / زانکه عمرم در ره خوبان سیمین‌برگذشت**
**۵۲۰- گزینه «۲»**

سه بیت در این مفهوم مشترکند که گزینه‌ی (۱): آب حیات است عشق؛ گزینه‌ی (۳): وصال زندگی است و فراق مرگ، گزینه‌ی (۴):

بودن با معشوق زندگی است و فراق مساوی است با مرگ.

**۵۲۱- گزینه «۴»**
**در پی خبیری خیره‌ها بودن** پارادوکس است.

**۵۲۲- گزینه «۲»**

 تناسب: مجنون و لیلی و قیس، فرهاد و شیرین، خسرو و پرویز / ایهام: **شیرین**: ۱- معشوقه‌ی فرهاد ۲- مزه‌ی شیرین / تشبیه:

مصراع اول و دوم / تلمیح: اشاره به لیلی و مجنون و خسرو و شیرین

**۵۲۳- گزینه «۴»**

 جناس: **پار و یاد، داد و یاد / کنایه: از دست رفتن** کنایه از نابودشدن، **چاندان** در این‌جا کنایه از زنده‌گردانیدن / ایهام: **پو**: ۱- آرزو

۲- بوی معطر وجود معشوق!!

**۵۲۴- گزینه «۳»**

 تضادها: گزینه‌ی (۱): **دشمن و دوست، آخر و نخست**؛ گزینه‌ی (۲): **وصال و فراق، روز و شب**؛ گزینه‌ی (۴): **پراوردن و فروراندن**
**۵۲۵- گزینه «۳»**

 برای حل سؤالات این‌چنینی باید پله‌پله یا به قول فرنگی‌ها **step by step**، جلو رفت. حدس بزیند مفهوم بیت گزینه‌ی (۱) چیست؟ **شب**
**تاریک است و موسی در راه صحرای «ایمن» آتش در شب چه می‌کند؟ موعد دیدار کجاست؟ چه فهمیدید؟ جواب:** نیاز به راهنما. مفهوم بیت گزینه‌ی

(۲): در شب سیاه راه مقصود گم شده از کوکب هدایت می‌خواهد بیرون بیاید = نیاز به راهنما. پس جواب حتماً در گزینه‌ی (۳) یا (۴) است. دقت کنید: بیت گزینه‌ی (۳):

 دل هرزه‌گرد! شاعر به چین زلف معشوق رفته و از این سفر دراز خود نمی‌خواهد به وطن برگردد یعنی یهجوری فرار مغزها!! (و **چین** ایهام‌تناسب دارد به کشور چین با

 کلمه‌ی سفر دراز چون چین راهش دراز بوده!) و هیچ ربطی به **نیاز به راهنما** ندارد و بیت گزینه‌ی (۴): اگر روی خوش‌گل تو ای معشوق به راهم چراغی نباشد چگونه

می‌توانم از این بیابان و شب‌رهای بی‌ایم = نیاز به راهنما

**۵۲۶- گزینه «۴»**

 حافظ، این بیت (و غزل) را در جواب **شاه نعمت‌الله ولی** سروده که از وی خواسته‌بود به مسلک وی گرایش پیدا کند که حافظ از او

 می‌خواهد که ای کاش محرمانه و به دور از ریا مرا دعوت می‌کردی **ریزش اهل کرم در پرده صائب خوش‌تر است / بیشتر فصل بهاران در سحاب**
**است آفتاب** یعنی آفتاب در فصل بهار پشت ابرها پنهان است ولی بیشتر بخشش می‌کند و به گل و گیاه آب می‌رساند. بررسی بقیه گزینه‌ها: گزینه‌ی (۱): آفتاب

از روشنی صورت او در عذاب است و به دنبال نقابی می‌گردد. گزینه‌ی (۲): ماه به خاطر این که نورش عاریتی است گاه لاغر و گاه چاق است ولی آفتاب چنین

نگرانی را ندارد، همیشه از نور پر است. گزینه‌ی (۳): آفتاب آن‌قدر عظمت دارد که آسمان بزرگ، درگاه اوست ولی با این بزرگی‌اش هیچ‌وقت گرمی خود را از

شب‌نم دروغ‌نمی‌دارد.

**۵۲۷- گزینه «۳»**

در بقیه‌ی ابیات از غم عشق سخن می‌گوید که شیرین و لذت‌بخش است.

۱- حافظ در دیوان شعریش معشوقی دارد که رندتر از حافظ است، در همین مضمون، روزی حافظ از دست جور معشوق شکایت می‌کند که از شهر خارج می‌شود و در پاسخ چنین می‌شود:

«ز دست جور تو گفتم ز شهر خواهم رفت / به خنده گفت که حافظ برو که پای تو بست»

۲- ما واژه‌ی «درگاه» را در معنی کلمه‌ی «جناب» انتخاب کردیم. جناب در اصل به معنی در و دروازه است، عالی‌جناب و امروزه عالی‌جناب یعنی کسی که درگاه خانهاش عالی است یعنی ثروتمند است، دروازه‌اش بزرگ است، نگهبان دارد، سردر دارد و به همین خاطر مؤسسات یا کارخانجات درگاه عظیمی برای خود می‌سازند تا عالی‌جناب گردند، عالی‌جناب!



۵۶۳- گزینه «۴» **اصول فلسفه و روش رئالیسم** کتابی از علامه طباطبایی است. **مقدمه‌ای بر اصول فلسفه و روش رئالیسم** کتاب استاد مطهری شاگرد علامه طباطبایی است.

۵۶۴- گزینه «۲» **دیوار** نماد جدایی است، علامه معتقد است بین دل و آرزوهای عاشقان واقعی جدایی افتاده است.



▲ علامه طباطبایی

۵۶۵- گزینه «۳» در شعر علامه فقط کلمه‌ی **حلاج** عربی است و آن هم اسم خاص و اسم

علم است که به ترجمه در نمی‌آید.

۵۶۶- گزینه «۲» **تار** استعاره از وابستگی‌های دنیایی است. **از دام جان، تار ریختن** کنایه از

وارسته‌شدن و آزادگشتن است.

۵۶۷- گزینه «۲» **پیای** به شراب (عشق الهی) مشغول بودن و بی‌توجهی به خرده‌گیری

بیکارگان، سفارش استاد بزرگوار است.

۵۶۸- گزینه «۲» **هلیدن و هشتن** به معنی رهاکردن است و **پهچرند** یعنی خرده بگیرند.

۵۶۹- گزینه «۱» مفهوم اصلی بیت: عشق الهی در همه‌ی موجودات جاری است - همه‌ی

موجودات جلوه‌گر جمال خدا هستند.

۵۷۰- گزینه «۲» آرایه‌ها: (۱) کنایه: «پرده از روی برافکندن» کنایه از آشکارکردن چهره (۳)

استعاره: غنچه مشبه است، استعاره از نوع تشخیص (۴) تشبیه: مرغ دل اضافه‌ی تشبیه‌ی است.

۵۷۱- گزینه «۴» در سه بیت اول از شادی آمدن بهار، سرود عشق و رخسار سرخ مستان سخن در میان است؛ در حالی که در بیت چهارم از جفا و غم

معشوق بحث است. مفهوم سایر ابیات شادمانی؛ اما مفهوم بیت چهارم اندوه است.

۵۷۲- گزینه «۳» حسن تعلیل: ابر به خاطر معشوق اشک‌ریزان است - تشبیه: حال قلب به ابر تشبیه شده است - تشخیص: اشک‌ریزی ابر - استعاره: ابر

(مشبه) چون انسان اشک‌ریزی می‌کند (مشبه‌به یعنی انسان حذف شده، که به آن استعاره [ای مکنیه] گویند).

۵۷۳- گزینه «۲» صوت‌ها: گزینه‌ی (۱): آه، وای؛ گزینه‌ی (۳): زینهار؛ گزینه‌ی (۴): هان

۵۷۴- گزینه «۴» نقش کلمات در قافیه‌ها: می‌خوارها (مضاف‌الیه)، دل‌افکارها (نهاد)، گلنارها (نهاد) و **رخسارها** مفعول است.

۵۷۵- گزینه «۱» نقش‌های قافیه‌ها: دشوارها (مفعول)، گلنارها (نهاد)، بیکارها (نهاد) و خشایارها (مضاف‌الیه).

۵۷۶- گزینه «۴» نقش‌های قافیه به ترتیب عبارت‌اند از: رخسارها (مفعول)، تارها (مفعول)، گفتارها (مفعول) و گلنارها (نهاد).

۵۷۷- گزینه «۳» تشخیص‌ها: خروش سرو و سمن، شاباش‌ریختن آسمان، رخت‌کشیدن سبزه به هامون و دشت

۵۷۸- گزینه «۳» تشخیص: سبزه رخت می‌کشد و گل بارگاه می‌زند / مراعات‌نظیر: هامون و دشت، سبزه و گل و گلزار / کنایه: **رخت‌کشیدن** کنایه از

کوچ کردن و اقامت‌کردن و همچنین **بارگاه‌زدن** کنایه از مقیم‌شدن

۵۷۹- گزینه «۲» مراعات‌نظیر: گل و جوبار، آغشته‌شدن با خون و رنگین / کنایه: کل بیت کنایه از فدا شدن عاشقان / استعاره: **گل** استعاره از عاشق

۵۸۰- گزینه «۱» **سرگرم** ایهام دارد: ۱- مشغول بودن ۲- گرم و مست و بانشاط بودن

۵۸۱- گزینه «۳» در بیت، آرایه‌ی لف‌ونشر وجود ندارد.

۵۸۲- گزینه «۱» **اشک چشم و داغ دل و چشم و دست** مراعات‌نظیر هستند. ممکن است به نظر برسد که دام و تار هم مراعات‌اند، در چنین حالتی آنکه

تناسب و مراعات‌نظیر محکم‌تر و بهتری دارد، پذیرفته‌است ولی بهتر است طراحان سؤال از طرح چنین سؤالاتی در کنکورهای سراسری و آزاد بپرهیزند (در

کنکورهای آزمایشی و کتاب‌های کمک‌درسی چون آموزش مطرح است اشکالی ندارد!! موجب تیزهوشی و دقت داوطلبان می‌گردد!!)

۵۸۳- گزینه «۴» تناسب یا مراعات‌نظیر: غبار، خاک / کنایه: خاک‌برسر کردن کنایه از بیچاره‌بودن / تضاد: پیری و جوانی

- ۵۸۴- گزینه «۱» **مهر** ایهام دارد: ۱- خورشید. کیش مهر یعنی آیین مهرپرستی، آیین زردشت. ۲- عشق، مهریابی. **مهر** در گزینه‌ی (۴) **ایهام تناسب** دارد: ۱- عشق (معنی در متن) ۲- آیین مهرپرستی (با توجه به کلمه‌ی **کیش** و در معنی خارج از بیت).
- ۵۸۵- گزینه «۳» ایهام‌ها: گزینه‌ی (۱): **عهد** (مصراع دوم): ۱- عهد و زمان ۲- پیمان؛ گزینه‌ی (۲): **کج مدار**: ۱- مدار گردش آن کج است. ۲- کج رفتار؛ گزینه‌ی (۴): **پو**: ۱- رایحه ۲- آرزو
- ۵۸۶- گزینه «۱» مفهوم به شادی و آسایش و خواب و خور / ندارند کاری دل‌افکارها یعنی عاشقان همیشه در رنج و سختی دوری از معشوق می‌سوزند و می‌سازند و این مفهوم برابر است با: (۲) عاشقی کار سری نیست که بر بالین است (۳) عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد (۴) عشق دعوی می‌کند بار بلا بر دوش نه.
- ۵۸۷- گزینه «۴» سه بیت اول در وصف بیان خوبی‌های مستی و بی‌خبری عرفانی است، در حالی که بیت چهارم مستی دنیایی را نکوهش می‌کند.
- ۵۸۸- گزینه «۳» تجاهل‌العارف یعنی این‌که می‌داند و خود را به ندانستن می‌زند! در بیت **زین لاله‌ی بشکفته‌ی در دامن صحرا / هر لاله نشان قدم راه‌نوردی است** اتفاقاً شاعر از دانایی خود سخن می‌گوید!
- ۵۸۹- گزینه «۲» **گره را ز راز جهان بازکن / که آسان‌کند باده، دشوارها** در این بیت نه‌تنها به بی‌اعتباری دنیا اشاره ندارد، برعکس توجه کامل هم دارد که می‌خواهد گره از راز جهان بگشاید!
- ۵۹۰- گزینه «۲» در گزینه‌ی (۲) شاعر از موردتوجه‌قرارنگرفتن به‌وسیله‌ی معشوق گله و شکایت می‌کند ولی در گزینه‌های دیگر از سختی‌های راه عشق استقبال می‌کند.
- ۵۹۱- گزینه «۴» عاشق فقط به معشوق توجه می‌کند و به تعلقات دنیا و مافیها دل‌بسته نیست. مفهوم گزینه‌ی (۴) **توصیه به عاشق شدن** است.
- ۵۹۲- گزینه «۱» عشق از نظر حلاج **فداشدن در راه معشوق** است، این مفهوم در همه‌ی گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی (۱) آمده‌است. مفهوم گزینه‌ی (۱) **فریبه‌کاری دنیا** است.
- ۵۹۳- گزینه «۳» مفهوم **وارستگی** در بیت **مهین مهرورزان که آزاده‌اند / بریزند از دام جان تارها** و بیت گزینه‌ی (۳) مشترک است.
- ۵۹۴- گزینه «۳» مفهوم بیت این است که عاشقان همه در سختی و عذاب حاصل از فراق معشوق هستند و شادی و آسایش برایشان معنی ندارد و کسانی که در ناز و نعمت هستند و طعم سختی‌ها را نکشیده‌اند تحمل این سختی‌ها را ندارند: **اهل کام و ناز را در کوی رندی راه نیست**
- ۵۹۵- گزینه «۴» **چمن لاله** نشان از افزونی شمار عاشقانی است که در راه معشوق به مقام شهادت رسیده‌اند و خونین کفن گشته‌اند، این مفهوم در گزینه‌ی (۴) تکرار می‌شود. مفاهیم ابیات دیگر: گزینه‌ی (۱): گل‌ها و درختان در خروشنده و بهار است. گزینه‌ی (۲): برادرم شهید شده و برایش گریه می‌کنم. گزینه‌ی (۳): ناراحتی شدید شاعر
- ۵۹۶- گزینه «۴» عاشق واقعی رنج و زحمت عشق را تحمل می‌کند و بلاها را به جان می‌خرد. در گزینه‌ی (۴)، به **سرزنش نکردن عاشق** اشاره شده‌است.
- ۵۹۷- گزینه «۱» حافظ از شهیدانی سخن می‌گوید که برای زیبارویی شهید شده‌اند و از خون آن‌ها لاله روییده، این موضوع در تمام گزینه‌ها به‌جز گزینه‌ی (۱) بیان شده، در بیت گزینه‌ی اول ناراحتی عاشق از دوری و فراق معشوق به‌تصویر کشیده شده‌است.
- ۵۹۸- گزینه «۴» **سیه‌گلیم** یعنی کسی که گلیم سرنوشت او سیاه بافته‌شده و همیشه در رنج و عذاب و سختی است، مفهوم گزینه‌ی (۴) نیز همان است.
- ۵۹۹- گزینه «۳» برای رسیدن به معشوق، سختی کشیدن لازم و واجب است.
- ۶۰۰- گزینه «۲» **اغتمام فرصت** بهترین مفهوم برای ابیات گزینه‌های (۱)، (۳) و (۴) است ولی در گزینه‌ی (۲) به **وارستگی** عرفا اشاره دارد.
- ۶۰۱- گزینه «۳» **ایمان** با **دائمی** رابطه‌ی عکس دارد، عشق با عقل تقابل دارد. هرگاه **ایمان** به وجودی وارد شود، **دائمی** از آن وجود پر می‌کشد و برعکس.
- ۶۰۲- گزینه «۴» **پرستش به مستی** معادل عشق و **هشیار** معادل عقل است. در بیت گزینه‌ی (۱)؛ **دل مجازاً عاشق و کام مجازاً معشوق** است و بین آن‌ها تقابل نیست بلکه آنان را از هم جدا کرده‌اند. در بیت گزینه‌های (۲) و (۳) تقابلی وجود ندارد.
- ۶۰۳- گزینه «۳» در این گزینه فرق میان عاشق و معشوق بیان شده که اولی نیاز دارد و دومی ناز ولی گزینه‌های دیگر از خطرناک‌بودن راه عشق و پرخون‌بودن راه عشق سخن می‌گویند.
- ۶۰۴- گزینه «۳» **ناراحتی از فراق معشوق** درون‌مایه‌ی ابیات زیر است:

عمری گذشت در غم هجران روی دوست      مرغم درون آتش و ماهی برون آب  
در غم ما روزها بی‌گاه شد      روزها با سوزها همراه شد

- ۶۰۵- گزینه «۲» **مرغ درون آتش و ماهی پرون آب** هر دو کنایه از بی‌تاب و بی‌قرار بودن است.
- ۶۰۶- گزینه «۳» برای بیدل آرزوهای دو جهان به اندازه‌ی یک غبار از یک مشت خاک ارزشی ندارد. در گزینه‌ی (۳) نیز این مفهوم تکرار شده: وارستگان (عرفا) هرگز به مردار (تعلقات) نمی‌پردازند. بیت گزینه‌ی (۱) به ناپایداری و فریب‌کاری جهان، بیت گزینه‌ی (۲) به کم‌عمق بودن آگاهی‌های ما و بیت گزینه‌ی (۴) به گناه‌کاری انسان اشاره دارد.
- ۶۰۷- گزینه «۲» راه عشق راهی پربلا و مشکل است و هرکس که نازک‌نارنجی باشد توانایی رفتن در این راه پرخطر را ندارد. در گزینه‌ی (۲)، درباره‌ی راه‌گشایی می‌سخن می‌گوید.
- ۶۰۸- گزینه «۴» گل در گزینه‌ی (۱) استعاره از انسان، در گزینه‌ی (۲)، استعاره از شیخ ابواسحاق، در گزینه‌ی (۳)، استعاره از عاشقان و در گزینه‌ی (۴) استعاره از دنیا است که در مورد آخر در مفهوم منفی به کاررفته و مورد توجه عرفا نیست.
- ۶۰۹- گزینه «۲» در چنین سؤالاتی که بررسی مفاهیم چهار بیت است موارد زیر را به ترتیب اجرا کنید: ۱- مفهوم بیت اول را حدس بزنید: **گنج غم عشق** ۲- و بیت دوم: **پیاپیان عشق دام بلاست**. جواب، حتماً در گزینه‌ی (۱) یا (۲) است (!) ۳- مفهوم بیت سوم: **هنر غم عشق** و حالا جواب مشخص شد. این شما و این پاسخ درست ۴- برای اطمینان از این که خیالات نفرموده‌باشیم و جواب نادرست نباشد مفهوم گزینه‌ی (۴) را نیز بررسی می‌کنیم: **ملال انده عشق**. راه نادرست بررسی این تست: ابیات را بخوانیم و مفاهیم را با هم مخلوط کنیم که با هم مقایسه کنیم و این راه نادرست است بهتر است بیت به بیت با دقت بررسی شود!!
- ۶۱۰- گزینه «۳» حافظ عاقلان را نقطه‌ی پرگار وجود می‌داند ولی با گفتن **ولی** همه چیز را خراب می‌کند و در مصراع دوم می‌گوید: **عشق داند که در این دایره سرگرداند** حتی خودشان نمی‌دانند که **سرگردان** هستند و فکر می‌کنند **نقطه‌ی پرگار وجودند!!**
- ۶۱۱- گزینه «۳» **عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد** یعنی در عشق و عاشقی درد و رنج عشق است، هرکس که طالب معشوق است از این درد و رنج نیز چاره‌ای ندارد، همه‌ی ابیات این مفهوم را دارند جز یکی، لطفاً ببینید: گزینه‌ی (۱) زین غم به صد بلا دل غم‌دیده مبتلاست؛ گزینه‌ی (۲) تبارک الله از این ره (راه عشق) که نیست پایانش؛ گزینه‌ی (۴) مگو که قطع بیابان عشق، آسان است. ولی در بیت گزینه‌ی (۳) شاعر معتقد است هرکس عاشق شود از بلا دور می‌افتد، عاشقی پایان غم و غصه است: **خواهی خلاصی از بلا در عشق گم شو عاشقا/ هر کاو شد اندر عشق گم جست از بلا، وز غصه گم** شاید شاعر رندانه‌تر از دیگران به این موضوع اشاره می‌کند: بدین شکل که درد و رنج عشق آن‌قدر عظیم است که اگر کسی عاشق شود، درد و رنج دنیایی در مقابل درد و رنج عشق سختی خود را از دست می‌دهند!!
- ۶۱۲- گزینه «۴» ابیات را مرور بکنیم تا تفاوت را حس کنیم! گزینه‌ی (۱): **با هر که دمی عشق تو آمیخته شد/ گویی که بلا بر سر او ریخته شد**= عاشق با بلاست! گزینه‌ی (۲): **دل که عشق بر او صد در بلا بگشاد/ رخ امید نتابد به هیچ باب از تو**= عشق با بلاست! گزینه‌ی (۳): **کار دل رندان بلا دیده بود عشق/ ای زاهد مغرور تو این کار چه دانی**= عاشقی کار بلادیدگان عشق است. گزینه‌ی (۴): **در دلم زین سان که محکم شد اساس عشق تو/ کی به طوفان غم و سیل بلا یابد خلل**= عشق من بر غم و بلا پیروز می‌شود.
- ۶۱۳- گزینه «۳» **چه دارد جهان جز دل و مهر یار** یعنی در جهان غیر از عشق، همه هیچ است، عشق، تنها کالای ماندگار هستی است: **فلک جز عشق محرابی ندارد**. بررسی بقیه‌ی گزینه‌ها: (۱): **کمند عشق را نمی‌توان پاره کرد، برو پندار و خیالات خودت را عوض کن!** (۲): **فکر می‌کردم مهربان هستی، عوضی گرفتم عزیزم**. (۴): **اگر دلم از پرده بیرون رفت و راز عشق آشکار شد؛ عیب ندارد، خدا را شکر در پرده‌ی پندار و خیال نمایم**.
- ۶۱۴- گزینه «۳» مفهوم **نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد**: عاشق بالای عشق را خریدار است. مفاهیم گزینه‌ها: (۱): بیان درد و رنج و درخواست مرهم و همدم (۲): رند بودن به همراه درد و رنج خواهد بود و بی‌غمان را در کوی رندی راه نیست. (۳): برخیز که آن زیباروی سمرقندی را دوست داشته‌باشیم که از بوی خوش او بوی جوی مولیان در خاطرها زنده می‌شود. (۴): در راه عشق بازی آسایش بلاست، با درد عشق باید بسازیم و به دنبال مرهم نباشیم.
- ۶۱۵- گزینه «۳» در بیت **لا اله الا الله** چه شهدایان همه آغشته به خون شد/ سر از غم کم‌عمری خود در کفن آورد عطار **حسن تعلیل** زیبایی آورده و لاله را به شهید تشبیه کرده است، درحالی که در ابیات دیگر **لا اله الا الله** نماد و مظهر **شهید** و **شهادت** است.
- ۶۱۶- گزینه «۳» بیت گزینه‌ی (۱) که مفهوم مشخصی دارد: **عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد، کار هر بز نیست خرمن کوفتن / گاو نر می‌خواهد و مرد کهن البته در عشق و عاشقی مرد جوان می‌خواهد و ...!** در مصراع دوم گزینه‌ی (۲) نیز بیت اول از سختی راه عشق سخن می‌گوید: **آه از این راه که در وی خطری نیست که نیست**.<sup>۱</sup> ولی بیت گزینه‌ی (۳) در مفهوم **عاشق نوازی** است. بیت گزینه‌ی (۴) هم از خطرات ره عشق می‌گوید:

۱- حافظ غزلی دارد با ردیف «نیست که نیست» یعنی خیلی هست! مطلع غزل با این مصرع شروع می‌شود: «روشن از پرتو نظری نیست که نیست» یعنی نظری وجود ندارد که از پرتو رویت روشن نباشد = همه‌ی افکار به‌خاطر نور روی تو منور شده‌اند. شاه‌بیت این غزل شاید این بیت باشد: «مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز/ ورنه در مجلس رندان خبری نیست که نیست»



## در ره عشق از آن سوی فنا صد خطر است تا نگویی که چو عمرم به سر آمد، رستم

۶۱۷- گزینه «۱»

بیت این گزینه در وصف طبیعت و ذکر زیبایی‌های بهار است.

۶۱۸- گزینه «۱»

در راه عشق و عاشقی یا هر راهی دیگر سعی نابرده به جایی نرسی بلکه باید سختی‌ها را تحمل کرد تا بتوان شاهد آرزو را در

آغوش گرفت، آن هم شاید! یعنی فقط کوشیدن ملاک نیست هزار نکته در این کاروبار دلداری است و مترادف است با:

## در مکتب حقایق پیش ادیب عشق هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی

گزینه‌ی (۲): دیدار آفرینش آری، اعتراض خیر! گزینه‌ی (۳): آسمان با ما سر ناسازگاری باز داشت! گزینه‌ی (۴): برتری عشق بر عقل، تقابل عقل و عشق.

۶۱۹- گزینه «۴»

در گزینه‌ی (۱) نظامی ما را به کار کردن تشویق می‌کند. عطار در گزینه‌ی (۲) می‌گوید: بی‌کاری دائمی موجب نابودی زندگی انسان می‌شود. صائب در گزینه‌ی (۳) اعتقاد دارد: توکل با بیکاری جوردر نمی‌آید؛ باید کار کرد، آن‌گاه توکل نمود. اما در گزینه‌ی (۴) سنایی می‌گوید: کسی که نازپرورده است به معشوق و به کمال (تخت ساسانی) نمی‌رسد.

۶۲۰- گزینه «۳»

یکی از بنیادی‌ترین مسائل عشق این است که عاشق باید سختی‌ها را تحمل کند، به شادی و آسایش و خواب‌وخور/ ندارند کاری دلفکارها: عاشق واقعی دلتنگ معشوق است، به راحتی احساساتی می‌شود و مثل بازیگران حرفه‌ای سینما می‌زند زیر گریه: به جز اشک چشم و به جز داغ دل/ نباشد به دست گرفتارها: وقتی خسرو در مناظره با فرهاد، به او پیشنهاد می‌کند، عاشقی را رها کند و آسودگی پیشه کند، می‌شنود: آسودگی بر من حرام است ولی بیت کشیدند در کوی دلدادگان/ میان دل و کام، دیوارها مستقیماً از رنج و سختی عشق نمی‌گویند بلکه از جدایی عاشق و معشوق بحث می‌کند که در کوچی دلدادگان میان عاشق (=دل) و معشوق (=کام) دیوار کشیده‌اند!!

۶۲۱- گزینه «۳»

بیت گزینه‌ی (۱) ما را به می‌پرستی سفارش می‌کند، و نیز بیت گزینه‌ی (۲) ولی در بیت گزینه‌ی (۳) شاعر می‌گوید: خدا را ستایش کن. ولی بیت گزینه‌ی (۴) چگونه می‌پرستی را سفارش می‌کند؟ ساده است شاعر می‌گوید: ای ساقی نمی‌خواهم که مرا به لب حوض کوثر (یا همان وعده‌ی سرخرمن) حواله بدهی.

۶۲۲- گزینه «۲»

هم از کودک مزاجی‌های حرص است/ که در صدسالگی دندان بر آرد یعنی آدم که پیر شد حریص هم می‌شود! حریص را نکند نعمت دو عالم سیر/ همیشه آتش سوزنده اشتها دارد: آدم حریص سیری ناپذیر است. وجه اشتراک این دو بیت حرص و طمع است ولی در بیت دوم از پیری حرفی نیست، مطالعه و بررسی ابیات را ادامه می‌دهیم؛ حالی نشد نصیبم از این رنج و زندگی/ پیری رسید غرق بطالت پس از شباب بهره‌ای از زندگی نبردم و پیر شدم و بیت آخر: آدمی پیر چو شد حرص جوان می‌گردد احتیاجی به مطالعه‌ی ادامه‌ی بیت نیست، پاسخ آشکار شد، حریصی و پیری با هم مفهوم ابیات یکم و چهارم است یعنی گزینه‌ی دوم!

۶۲۳- گزینه «۴»

بیت گزینه‌ی (۱) ما را به اغتنام فرصت فرامی‌خواند. گزینه‌ی (۲) نوعی حسن‌تعلیل است که عاشق سختی‌های نازک‌بدن را می‌کشد. بیت گزینه‌ی (۳) اغراق می‌کند درباره‌ی شامه‌ی تیز معشوق و این که هر بویی به او سازگار نیست. ولی فقط در گزینه‌ی (۴) است که بیان می‌دارد برای رسیدن به معشوق باید سختی‌ها را تحمل کرد و کار هر بز نیست خرمن کوفتن!

۶۲۴- گزینه «۳»

بیت اول گذر عمر را بیان می‌دارد، بیت گزینه‌ی (۲) در مدح شراب است که جوان‌کننده و نشاط‌آفرین است و البته به زبان طنز!! بیت گزینه‌ی (۳) مفهوم بیت ریشه‌ی نخل کهن سال از جوان افزون‌تر است / بیشتر دل‌بستگی باشد به دنیا پیر را را تکرار می‌کند دل‌بستگی پیر به جهان بیشتر است. (و البته هر دو بیت اسلوب‌معادله دارند) بیت گزینه‌ی (۴) به یاد خردسالی و از گذشتن آن غمگین بودن را مطرح می‌کند.

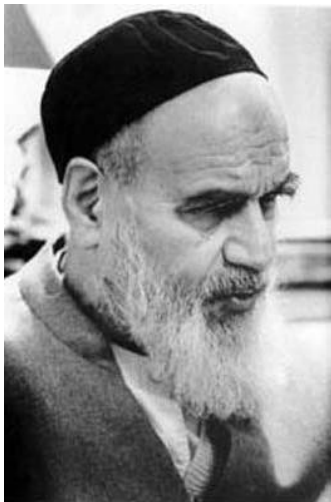
۶۲۵- گزینه «۴»

مفهوم بیت اول (اغتنام فرصت) است ولی با توجه به واژه‌ی صریح‌تر گزینه‌ی آخر درست است که مستقیماً، شاعر ما را به (اغتنام فرصت) دعوت می‌کند.

۶۲۶- گزینه «۳»

بلاکشی در مصراع عاشقی شیوه‌ی رندان بلاکش باشد دقیقاً معادل است با پشوش نپوشن عمی، عاشق اهل آسایش و شادی و خواب‌وخور نیست. فعلاً که من و تو عاشق کنکوریم! من عشق طرح سؤال دارم، تو هم عاشق جواب دانی و تمرین و این که قوی بشی ان‌شاءالله! همین حذف شادی‌ها و آسایش هست که من و شما را موفق می‌کند!

◀ امام خمینی (ره)



۱- «تا» در این مصراع «صوت» است به معنی «آگاه باش، مواظب باش، زنهار»

**۶۲۷- گزینه «۳»**

 مفاهیم ابیات: (۱) *بهار اومره بیا بریم مال کنیم!* «بهار» در عرفان مقام بسط را گویند در قطع علایق و به تعبیری مقام وجد و حال را

گویند. (۲) عاشق عارف غم‌پرست است؛ البته غم عشق نه غم دنیای فانی (۳) بیت اول: در عشق هم کشش شرط است هم کوشش - بیت دوم: عاشق عارف بی‌تعلق است و دامگه دنیا زندان اوست! (۴) عشق در دل شکسته فرود می‌آید.

**۶۲۸- گزینه «۳»**

بیت «شست‌وشویی کن و از چاه طبیعت به‌درآی / که صفایی ندهد آب تراب‌آلوده» به آلودگی و عدم پاکی اشاره دارد؛ در حالی که

برای طی طریقت و نیل به حقیقت باید از طبیعت عادی فراتر رفت، دیگر ابیات به این قاعده‌ی سلوک عرفانی اشاره دارد که سالک قدم از خود بیرون نهاده و به نور دل و توحید رسیده است.

**۶۲۹- گزینه «۳»**

بیت گزینیه‌ی (۳) در توصیف زیبایی طبیعت است که چمن را به رخ دوست و گل را به لب یار تشبیه کرده است؛ ولی در بیت سؤال و

ابیات دیگر گزینیه‌ها، به واسطه‌ی عشق رخ یار بهار آمده و همه جا را زیبا کرده است.

**۶۳۰- گزینه «۲»**

همه چیز در همه حال خدا را ستایش می‌کنند «بلبل به غزل‌خوانی و قمری به ترانه»؛ ولی بیت زیر سازی دیگر می‌نوازد:

**این همه ناله‌ی مرغان به چمن زان سبب است      که نقاب از رخ گل باد سحر، دیر کشید**

**۶۳۱- گزینه «۱»**

اگر به افعال بیت‌های دوم، سوم و چهارم توجه کنید، امری است و دستور می‌دهد که ۲- قدم به طرف چمن نهید ۳- راه صحرا بگیرید

(۴) فرش طرب بگسترید، یعنی از مواهب طبیعت بهره ببرد؛ در حالی که در بیت اول زیبایی معشوق را به رخ زیبایی طبیعت می‌کشد.

**۶۳۲- گزینه «۴»**

توجه کنید «چمن ز عشق رخ یار، لاله‌افشان شد» یعنی «سلسله‌جنبان عشق، حسن الهی است» و حافظ هم در گزینیه‌ی (۴) دقیقاً

همین را می‌گوید.

مفاهیم دیگر ابیات: (۱) و (۲) معشوق عرفانی (عناقا) شکار نمی‌شود. (۳) کس ندانست که منزلگه عشاق کجاست.

**۶۳۳- گزینه «۲»**

بیت زیر معتقد است در فراق معشوق زندگی باحالی داشته!! در حالی که دیگر ابیات عکس این قضیه را اثبات می‌کنند.

**روز وصلش باید از شرم آب گردیدن که ما      در فراقش زندگی کردیم و جانی داشتیم**

*منظور «بیدل» اینه که «هالی داشتیم»!!*

**۶۳۴- گزینه «۴»**

بیت گزینیه‌ی (۴) به این مفهوم اشاره دارد که شاعر می‌خواهد دلش به شکل اشک از دیده برون آید و خود را نثار جمال یار نماید ولی

دیگر ابیات معتقدند به واسطه‌ی جمال منور الهی همه چیز به نور خلقت روشن گشته‌اند.

**۶۳۵- گزینه «۱»**

عشق در دل شکسته فرود می‌آید، «حال قلب جفا‌دیده‌ی» امام خمینی (ره) و «دل ریش» حافظ در بیت اول این مفهوم را تأکید می‌کند.

مفاهیم دیگر ابیات: گزینیه‌ی (۲): عشق تضمین ندارد، توکل باید داشت. گزینیه‌ی (۳): عشق مستلزم معرفت است. گزینیه‌ی (۴): عشق دوسویه است، یار نیز با عاشقان نظر دارد.

**۶۳۶- گزینه «۳»**

عاشق از فراق یار پریشان است، این مفهومی است که در بیت سؤال نیز دیده می‌شود؛ بیت گزینیه‌ی (۳) به این موضوع اشاره دارد که

«عشق مستلزم معرفت است».

**۶۳۷- گزینه «۲»**

«عشق رخ یار» در شعر امام (ره) همان پرتو حسن الهی است که «آتش به همه عالم زد».

مفاهیم دیگر ابیات: گزینیه‌ی (۱): یار کامل و کمال مطلق است و هر قصوری که هست از ماست. گزینیه‌ی (۳): معشوق عرفانی صاحب اختیار مطلق است. گزینیه‌ی (۴): معشوق عرفانی هم اهل ناز است هم اهل جفا.

**۶۳۸- گزینه «۱»**

مفاهیم ابیات: گزینیه‌ی (۱): هر دو بیت: عشق به بیان نمی‌آید و زبان عاشقان را بسته‌اند. گزینیه‌ی (۲): بیت اول: عشق نجات‌دهنده

است - بیت دوم: ازلی بودن و ابدی بودن عشق گزینیه‌ی (۳): بیت اول: راه عشق بدون دستگیر و راهنما ممکن نیست - بیت دوم: معشوق عیان است، برای دیدنش باید پاک بود. گزینیه‌ی (۴): بیت اول: عاشق عارف غم‌پرست است / بیت دوم: رضا به داده دادن و تسلیم سرنوشت شدن.

۱- آندره ژید کتابی دارد به نام «در تنگ» و مصراع اول بیت زیر در ابتدای کتاب آمده است و این شعر را خیلی دوست دارم و همین الان پیامک آن را برای بهترین دوستانم فرستادم!!  
جریده رو که گذرگاه عافیت تنگ است      پیاله گیر که عمر عزیز بی‌بدل است»